



پیام کارگر

شماره
۴

بها معادل ۲۰ ریال

ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول - مرداد ۱۳۶۶

از زندانیان سیاسی دفاع کنیم!

انعکاس نسبتا وسیع خیراتصاحب غذای و دانیای سیاسی زندان های اوین و گوهردشت در بحافیل و افکار عمومی جهان نیان بارد یگراهیتان شعارواد ر جنبش دفاعی خارج ازکشورعیان ساخت، تجربیات گذشته و امروز جنبش دفاعی خارج ازکشور میسند آنست که شعاردفاع از آزادی زندانیان سیاسی در مجموع شعارهای این جنبش جایگاه ویژه ای دارد. افشاگریهایی که در این زمینه بطور گسترده توسط کفند، اسبون علیه رژیم شاه انجام می گرفت و امروزه - طور یتد توسط کانون های دموکراتیک یسا

سازمان های سیاسی علیه رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه انجام می گیرد، نقش برجسته ای در تنهیر افکار عمومی جهان نیان و افشای عملکرد های ارتجاعی ایسن رژیمها و کاستن ارزشکجه و آزار زندانیان ایفا کرده است. نباید تصور کرد، رژیم اسلامی از فشارزندهای و افکار عمومی بین المللی نمی هراسد. علی رضم ایسن حقیقت که رژیم جمهوری اسلامی نسبت به مراجع حقوقی بین المللی دهن کچی می کند، و افکار عمومی را به مسخره می گیرد و خود را در قبال انزجار عمومی بی تفاوت می نماید ولی اونیزمانند تمام رژیمهای بقیه در صفحه ۲

تلگرام روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) درباره اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد دبیرکل صلیب سرخ جهانی عفوبین الملل

عالیجناب :
از تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۷، زندانیان سیاسی زندان اوین در تهران بعنوان اعتراض به فشارهای وحشیانه رژیم اسلامی دست به اعتصاب غذا زده اند. از ۱۶ ژوئیه، این اعتصاب به اعتصاب غذای خشک تبدیل شده است. ما توجه آن جناب را نسبت به خطر جدی که جان زندانیان سیاسی ایران را تهدید می کند جلب نموده و انتظار داریم که با فوریت تمام اقدامات لازم را معمول دارید.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۸۷ / ۷ / ۲۲



آغاز هشتمین سال جنگ و وظائف ما

اکنون در آستانه هشتمین سال جنگ ارتجاعی و خانمانسوزد ولت های ایران و عراق قرار داریم. جنگی که در آغاز ماه آن رژیم جمهوری اسلامی اهداف پان اسلامستی خود را، در تضاد با منافع خلق - های د ر کشور، دنبال کرده و می کند. اگر عراق بسز زمینه تحریکات ملایان ایران که می خواستند بکمک ایسادی خود، حکومت اسلامی را در عراق برپا کنند، جنگ را با حمله به ایران آغاز نمود، رژیم ولایت فقیه نیز از آن به تشدد ید آن، جهت سرکوب خواستهای بحق کارگران و زحمتکشان ایران و تد اوم حکومت رعب و خفقان خویش، بهره جسته و می - جوید...

اگر در زمان شروع جنگ رژیم جمهوری اسلامی توانست با برانگیختن احساسات میهن پرستانه بقیه در صفحه ۴

کزارش اعتصاب غذا در فرانکفورت و شهرهای مختلف آلمان فدرال در صفحه ۱

کشنار مکه و پیامدهای آن در بحران منطقه

بی کمان فاجعه مکه در شرایط بحرانی کنونی منطقه و با لاض خلیج فارس می توانست منجر به مشکلات و مسائل بیشتری در سیاست منطقه ای رژیم فقهی و بعضا بروز حوادث خطرناک با ابعاد جهانی گردد. قتل عام زائران ایرانی در مکه حاصل مستقیم تصادم "دور انقلاب" اسلامی با منافع حاکمان سعودی می باشد که همواره از تائیرات ایسن نهضت ارتجاعی در نگرانی بسر برده اند. رژیم فقهی که سردمدار یک نهضت ارتجاعی در منطقه است، در فرا فکنی مسائل داخلی خود در هیئت "مدور انقلاب" که جز با ایجاد درگیری، تشنج و تروریسم معنی پیدا نمی کند، منافع حیاتی داشته و بی نوعی حیات این رژیم به آن وابسته است. به همین دلیل هم ادامه جنگ برای این رژیم از "واجبات" است. این سیاست بنحوی تقویبا عمومی منافع و ثبات دولتهسای منطقه را با خطرات داخلی و غلب آنها با درجهه مخالف رژیم قرار گرفته اند و با احدا کثربا رعایت جوانب احتیاطی از آن فاصله گرفته اند. ادامه تعرض فقهی به دولتهای مخالف در منطقه، مانند کویت، نه تنها آنها را به حمایت فعال تر از عراق واداشته بلکه دیگران را هم به دور شدن بیشتر از رژیم هل داده است.

بقیه در صفحه ۳

رئادگی و مبارزات پناهندگان

- فرانسه - پاریس :
- تجمع اعتراضی سازمانها و افراد مترقی در مقابل دفتر سازمان ملل کانادا :
- تظاهرات به حمایت از "ویکتور - کالادو"
- اعتراض و مخالفت با تصویب لایحه علیه پناهندگان سیاسی

آلمان فدرال :
مخالفت خلیانان لوفت هانزا با دیپورت پناهندگان

در صفحه ۹

حزب "کمونیست" کومهله در مسیر انزوا در صفحه ۶

فاجعه سبیل

در صفحه ۱۴

از زندانیان سیاسی دفاع کنیم!

ادامه از صفحه ۱

ارتجاعی نمی خواهد منزوی بماند. اتفاقاً موقعیت کنونی رژیم در جنگ ارتجاعی بگونه‌ای است که او شدیداً محتاج حمایت جهانیان می باشد. حساسیت رژیم را به این سئواله می توان از واکنش های عصبی و خشم آلود آن نسبت به گزارش عقوبین المللی در مورد شرایط زندان ها و حقوق بشر در ایران دریافت. تبلیغات در زمین رژیم در باره شرایط زندان ها، و امداد های مخفی انقلاب بیون، تشکیل محاکمات پشت درهای بسته وحشت رژیم را زافتابی شدن اعمال ضد بشری اش نشان می دهد. بنابراین سن مبارزه برای برانگیختن افکار عمومی جهانیان علیه اقدامات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی اهرم سیاسی نیرومندی است که به جنبش انقلابی بی رحمت کشان کشور ما یاری می رساند.

چایگاه و ویژه شعار در فاع از زندانی سیاسی را باید در رخصلت همگانی وسیع گرا این شعار جستجو کرد. هیچ جنبش توده ای رانمی توان سراغ گرفت که شعار آزادی زندانی سیاسی یکی از اصلی ترین شعارهای بسیج گران نبوده باشد. در میان خواست های دموکراتیک توده ها این خواست یکی از حلقه های اصلی را تشکیل می دهد. زیرا سرکوب و اختناق به معنی ترین صورت در وجود زندان و شکنجه تجلی پیدا می کند. این خواست امداد ر کشور ما، در تحت رژیم ولایت فقیه که شکنجه انسان ها را تئوریزه می کند و مسأله قطع دست و پا و شکنجه های قرون وسطایی در میان است و صحبت از صد ها هزار زندانی سیاسی است که در غیر انسانی ترین شرایط نگهداری می شوند در ارای اهمیت به مراتب بیشتری است و طیف گسترده ای از اقشار و طبقات مترقی جامعه ما را در پشت خود دارد. باید توجه داشت که شعار آزادی زندانیان سیاسی با شعارهای دیگری چون شعار لغو محک اعدام و شکنجه پیوند دارد و شعار مذکور از اجزا این شعار محسوب می شوند و همین دلیل دامنه نفوذ این شعارها در میان مردم بخصوص افکار عمومی مردم جهان که نسبت به اعدام و شکنجه حساسیت ویژه ای دارند بسیار زیاد می باشد. انعکاس فعالیت های ماه های اخیر کانون های دموکراتیک و سازمان های سیاسی در دفاع از اعتصاب غذای زندانیان و حمایت احزاب و محافل ترقیخواه از این فعالیت ها مبین گسترده گی پایگاه این شعارها می باشد.

با وجود اهمیت و جایگاه این خواست در مبارزات دموکراتیک مردم ایران و علی رغم شرایط سختی که زندانیان سیاسی در آن به سر می آورند، جنبش دفاعی خارج از کشور هنوز به حد کافی روی آن متمرکز نشده است و وظیفه شایسته خود را در این زمینه به انجام نرسانده است. اگسیون های اعتصاب غذای اخیر و فشارگری هایی که طی چند ماه گذشته که بدنبال افزایش مبارزات قهرمانانه و زندانیان سیاسی صورت گرفته اند اگر چه تحریک تازه ای به این شعار داده است ولی عقب ماندگی این جنبش برجسته تر از آنست که با این فعالیت ها بتوان خشنود بود. عقب ماندگی جنبش خارج از کشور با توجه به شرایط دموکراتیکی که در آن به سر می برد بخشودنی نیست. واضح است رکود نسبی مبارزه برای ایمن

خواست نیز توضیح خود را در همان انحرافات و عواملی می یابد که جنبش دموکراتیک خارج از کشور بطور کلی از آن رنج می برد. ولی اگر قرار باشد که هست با این ضعف مبارزه شود و جنبش دفاعی خارج از کشور را بشادابی بیشتری برخوردار کرد باید مناسب ترین شعار را برای آن بخد مت گرفت. شعار دفاع از زندانی سیاسی بنا بر توضیحات بالا قناد راست چنین نقشی را برعهده بگیرد. بنابراین باگسترش جنبش دفاع از زندانیان سیاسی جنبش دفاعی خارج از کشور رونق تازه ای خواهد گرفت.

شرط نخست تقویت جنبش دفاع از زندانیان سیاسی در و رشد آن از این طرز تفکر سکتاریستی و ارتجاعی است که گروه معینی از زندانیان سیاسی و یا زندانیان سیاسی طرفدارانید ثولوزی یا خط مشی سیاسی مشخصی مورد حمایت قرار بگیرند. تجزیه شعار آزادی زندانی سیاسی به شعارهای "آزادی زندانی سیاسی انقلابی" یا "آزادی زندانی توده های" نه فقط تفرقه افکنانه اند بلکه هردو به این علت که آزادی سیاسی را مشروط می کنند و بنا بر این بخشی از سیاست سرکوبگرانه رژیم را موجه می سازند در ارای عنصر ارتجاعی هستند. محتوای سیاسی و عمیقاً دموکراتیک، شعار آزادی زندانیان سیاسی، در آنست که برای هیچیک از احکام رژیم اسلامی در ربه بنشد کشیدن افراد با هر عقیده و مرامی که باشند مشروعیت قائل نیست و هرگونه تبصره ای را بر این شعار محدود کردن آزادی می شمارد. ما خواهان آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم اعتقاد به این اصل دموکراتیک بنیاد محکمی برای فعالیت متحدتما می گرایشات ترقیخواهانه در جنبش دموکراتیک و دفاعی خارج از کشور فراهم می کند و تردید هایی را که بواسطه وجود گرایشات گوناگون سیاسی - ایدئولوژیک ایجاد می کند مرتفع می سازد.

اما از لحاظ عملی تبلیغ و سازماندهی حول این شعار نیاز به تشکل مستقلی دارد. در رفقد ان یک تشکل دموکراتیک - توده ای که مبارزات همه جانبه جنبش خارج از کشور را سازماندهی دهد ایت کند و بطور متمرکز روی شعار فوق فعالیت نماید، این وظیفه را باید برعهده تشکل هایی که وظیفه عمده شان پیشبرد همین شعار باشد قرار داد. کانون های دفاع از زندانیان سیاسی، البته با ضوابط اساسی که ای کلاد دموکراتیک که از هرگونه قیود ایدئولوژیک که مانع ورود افراد می شود بیبری باشند قالب مناسبی برای پیش برد این شعار و کار متمرکز روی آن می باشند. برنامه عمل این کانون ها چنانکه از زمان هم پیداست بطور اخصصی فعالیت حول مسائل زندانیان سیاسی است. فعالیتها این کانون ها، اما بهیچ وجه ضرورت اتحاد عمل گروه های سیاسی را منتفی نمی سازد. این فعالیتها اگسیونی نعتنها آلترناتیو کانون ها نمی باشند. زیرا وظیفه این کانون ها به برگزاری اگسیون ها خلاصه نمی گردد. بلکه روی همه یگرا اثر مثبت دارند و باید در رابطه نزدیک با یکدیگر قرار داده شوند.

اکنون که تحت رژیم فقهی، جنگ، گرسنگی، آوارگی و ویرانی در حال پیشروی است و آژیر بیک شورش توده های وطنین افکن می شود، و رژیم ناتوان

از پاسخگویی به نیازهای توده ها همچنان در راه سرکوب و تشدید اختلاف پیش می رود و با فشار بر زندانیان سیاسی و برپا کردن جوخه های اعدام می خواهد اراده توده ها را درهم بشکند و وظیفه نیروهای انقلابی و دموکرات است که به افشای این اقدامات برخیزند و از زندانیان سیاسی و مبارزان تشنه حمایت کنند. در این میان، بخصوص بر عهد جنبش دفاعی خارج از کشور است که به افشای جنایات رژیم اسلامی بویژه در رابطه با زندانیان سیاسی پرداخته و حمایت سازمان های ترقیخواه خارجی و افکار عمومی جهانیان را از مبارزات آنها جلب کند. جنبش دفاع از زندانیان سیاسی را می توانیم و باید با گسترش دهیم.

زندانیان سیاسی ترکیه

در اعتصاب غذا بسر می آورند!

بدنبال آغاز اعتصاب غذای در تاریخ ۱۹۸۷/۷/۸ در یکی از زندانهای ترکیه به نام "ساغماجیلار" زندانی دیگری در "مالاتیا" نیز در تاریخ ۱۹۸۷/۷/۱۵ دست به اعتصاب غذا زد. بلافاصله بعد از پیش خبر اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در و زندان فوق الذکر، زندانیان سیاسی پنج زندان دیگر در شهرهای مختلف ترکیه با همان خواست ها اعتصاب غذای خود را آغاز کردند. طبق خبری که سازمانهای سیاسی ترک و کرد ترکیه منتشر کرده اند تا تاریخ ۱۹۸۷/۷/۲۸ زندانیان سیاسی هفت زندان در اعتصاب غذا بسر می بردند. همان منابع اعلام کردند که در روزهای آینده زندانیان میهمدیگری به اعتصاب خواهند پیوست. خواست همه زندانیان سیاسی اعتصابی در ترکیه از این قرار است:

حق انتخاب لباس معمولی بجای لباس رسمی زندان - برداشتن زنجیر و دستبند از زندانیان هنگام انتقال آنان از نقطه ای به نقطه دیگر - لغوشکنجه و زمین رفتن سلولهای انفرادی - آزادی شدن و ورود کتاب و روزنامه به زندان - بهتر شدن وضع غذا به لحاظ کمی و کیفی - توجه به وضع سلامتی زندانیان و دادن آوری مجانی به زندانیان بیمار - افزایش دفعات ملاقات حضوری با خانواده ها در طول سال.

یک کمیته همبستگی با زندانیان اعتصابی در ترکیه، متشکل از چند سازمان ترک و کرد در شهر کلن یک اعتصاب غذای حمایتی را بعد از ۵ روز از تاریخ ۱۹۸۷/۷/۲۷ تا ۱۹۸۷/۷/۳۱ سازمان داد. همان سازمانها روز شنبه ۱۹۸۷/۸/۱ در شهر کلن برای حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ترکیه راهپیمایی کردند.

مقایسه خواست های زندانیان سیاسی ترکیه که در زیربوغ یکی از دیکتاتورهای وحشی نظامی سرمایه داری بسر می برند با خواست های زندانیان سیاسی ایران شدت وحشیگری و سیاست جنایت کارانه رژیم فقهی را بیش از پیش آشکار ساخته و نشان میدهد که رژیم اسلامی ایران در دشمنی با مردم از دیکتاتورهای وابسته به امپریالیسم پیشی گرفته است!

نامه‌ی "شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان استان بایرن"

بسه نشریه "پیام کارگر"

سرد بیرمحترم نشریه‌ی پیام کارگر با احترام و با قدرشناسی از چاپ بخششی از نامه سرگشاده ما "پناهندگان ایالت بایرن بسه سازمانهای سیاسی وانجمن های د موکراتیسک پناهندگان" د شماره ۲ نشریه پیام کارگر به آگاهی میرسانیم با تأسف صرفا اهداف مندرج در بخش اول نامه بعنوان اهداف کلی حرکت مادر گردیده است. لذا، با توجه به اهمیت اطلاع همه جانبه خوانندگان نشریه شما از مجموعه اهداف حرکت پناهندگان بایرن به خوانندگان که بخش اعظم آنها را "پناهندگان" د ر کشور های مختلف تشکیل میدهند تقاضا مندیم بطریق مقتضی نسبت به چاپ این نامه بعبابه بیان فشرده "نامه سرگشاده" از جمله و پیوسته بخش دوم نامه یعنی بخش اساسی آن اقدام بنمائید!

- ۱- زمانه مذکور، ما پس از طرح این سؤال که: "تکیه بر مطالبات میروم پناهندگان لا گره های ایالت بایرن ناشی از چه د رکی است؟ باششرح مختصر شرایط د شواری زندگی پناهندگان در ایالت بایرن و با برشماری جنبه های متنوع تعادل قوا ی موجود به ذکر وظایف و زمینه های عینی و ذهنی انتخاب اهداف میروم حرکت یعنی:
- ۱- کوتاه شدن مدت بلا تکلیفی و رسیدگی هر چه سریعتر به درخواستهای متقاضیان پناهندگی سیاسی و ارسال سریع جوابها!
- ۲- انسانی کردن شرایط زیست متقاضیان پناهندگی سیاسی با: الف: انتقال از لا گره بسه

مهرشکست میگوید. از این روماضن طرح خواست های مشخص فوق به عنوان مطالبات میروم حرکت اعتراضیمان اما، با آگاهی عمیق به لزوم مبارزه برای جلوگیری از تقاضای پناهندگی د رحد نگران کننده فعلی معتقدیم بادامن زدن به کارزار اعتراضی سراسری میتوان د ولت د موکرات مسیحی آلمان را د ر این زمینه نیز به عقب نشینی واداشت... د ر انتهای این بخش از نامه، ما از تمامی نیروهای سیاسی ایرانی و آلمانی و سازمانهای حمایتگر از حقوق پناهندگان - ایرانی و آلمانی - خواستار مبارزه عمومی جهت تغییر سیاست د ولت آلمان د ر ارتباط با چگونگی برخورد با پذیرش تقاضای پناهندگی متقاضیان پناهندگی شدیم!

سرد بیرارجمند! از آنجاکه پناهندگان معترض و مقاوم استان بایرن همچنان برخواستهای عادلانه، ضروری و اولیه خود پافشاری کرده و با یکوت جیره تحمیلی غذا د ر کنار کار بست د یگر شیوه های مبارزاتی ادامه میدهند، امید داریم - آنچنانکه تا کنون - د ر آینده نیز صدای اعتراضی ما را جهت بسیج افکار عمومی پناهندگان و انقلابیون بسود تحقق اهداف عادلانه مان منعکس نمائید.

باتشکرفروان

شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان استان بایرن
۱۷/۸/۱۹

ضازل مسکونی. ب: تعویض حق انتخاب مواد غذایی باپرداخت پول!
برداشتیم. سپس سوال اساسی د یگری را مطرح کردیم که جوهر و هدف اساسی حرکت ما را بازمی تاباند. سؤال به شرح زیر بود:
آیا مبارزه برای مطالبات عینی فوق که د ر واقع چیزی جز مبارزه با سیاست محدود کردن حقوق پناهندگان نیست و د ر محتوای خود تغییر آرا د نظر قرارداد هاست. باید هدفی را تعقیب می کرد؟
د ر پاسخ گفته شد: بی گمان، و د ر ادامه آن ضمن توضیح سیاست نادرست د ولت آلمان د ر قبال پذیرش متقاضیان پناهندگی سیاسی نسبت به آمار بالای مردودین متقاضی پناهندگی و خطر با زس فرستاد هشدن پناهندگان ایرانی عراقی د ر آینده هشداردادیم و گفتیم... "لذا به فراموشی سپردن این واقعیت و تعقیب اهداف فوق الذکر د ر واقع چیزی جز نقض عرفی نیست."
د ر تداوم استدلالات خود گفتیم: "اما ما توجه به این واقعیت که صرف طرح پایان دادن به سیاست رد تقاضای پناهندگی متقاضیان بسه عنوان یکی از اهداف حرکت اعتراضی کنونی طرحی کلی، نامشخص و غیرواقعی است زیرا شرایط حقوقی مشخصی برای قبول شدن آن به د ولت د موکرات مسیحی آلمان وجود ندارد...". لذا مبارزه برای تغییر این سیاست بد عنوان یکی از مطالبات میروم حرکت اعتراضی کنونی بی تردید از پیش برای حرکت

کشاورز مکه و پیامدهای آن

دربحران منطقه

است برای پاسخ دادن به انتقام طلبی نیروهایش و حفظ روحیه آنان، دست به اقدامات و تحریکاتی بزند که میتواند در محیط حسان و بحرانی خلیج موجب آتش افروزی سنگینی شود که در درجه اول د استیکر خود رژیم فقها خواهد شد. و این با د ر نظر گرفتن جنگ ملیتی که خمینی علیه وهابی های سعودی که آنها را همچون "خجری در پشت اسلام" دانسته، برآوردند و با د ر نظر گرفتن خطبتهای آمارئیک رژیم اسلامی که در همه حال نمی توانست تا کشیک و بر نامه کنترل شده ای را اضمین نماید بعید نیست.

از طرف دیگر عراق با بدست آوردن متحده فعال تازه ای چون سعودی، میتواند با بهره گیری از سعادل تازه فشارهای شخصی (مثلا با همسرانها) در جهت هر چه بحرانی تر کردن وضع در خلیج اعمال نموده تا رژیم اسلامی را ناچار به عقب نشینی نماید.

خلاصه آنکه مجموعه فعل و انفعالات بیرونی دشمنان فعال و آشکار رژیم فقها در منطقه افزوده و نیروهای هر چه بیشتری را به مقابله با آن گسیلده است و این د یگر نه بمعنی انزوای هر چه بیشتر کد سمعی تنگتر شدن حلقه فشار بدور کردن فقهاست.

و یکس بر نامه نفی است. رژیم اسلامی برای آنکه ناح از حملات عراق و بدنه تفکشی شود، دست به جلسه د کنسینای کویت زد تا از آن طریق بر عراقی فشار آورد. اما مقابله کویت با این نقشه و درخواست آن کشور را بر عا و توری برای حمایت از کشیهایش بسها د ل از مراد د بریکا جهت حضور نظامی کمرشده د ر خلیج داد و آج گرفتن حالت بحرانی در خلیج، تا کشک فقها را بدخودشان تبدیل نمود. در این مرحله که همه عوامل شنج و بحرانی در خلیج جمع گردیده اند. هرگونه آتش افروزی و لاجرم تسبیح شدن آبراه یک بارنده ملی خواهد داشت، رژیم اسلامی!

همانطور که در بالا ذکر کردیم بعد از فاجعه یکد. روابط رژیم فقها و عربستان بصورت دشمنی آشکار و جک اعلان شده بین دور رژیم در آمده است. و عربستان کشوری است که با بر لب خلیج دانند و اگر بد بیست و ایران، اما منافع حیاتی در این آبراه دارد. اگر حکومت بین فقها و کویت تا این اندازه بحران را در خلیج دامن زده است، این گونه رابطه عربستان به درجات بیشتری چینی سایی را خواهد داشت. اگر چه فقها برای انتقام گیری ایکنات و راه های دیگری جهت فریب زدن به عربستان دارند، مثلا از طریق ابادی خود در آن کشور و اینجا و آنجا، اما به هر حال خلیج مرز بین دو کشور و کما عالی است که د طرف درگیر دوسوی آن ایستاده اند. و آنجا که بد هر چه، ت دخت اسلام

حکومت سعودی نیز که تحریکات نهضت اسلامی را در بین جمعیت های تند و کروهی های افراطی سنی مذهب آن کشور، بعنوان یک خطر تلقی می کرد و اثرات این تحریکات را د ر کویت و بحرین تا حدی د با فعال شدن مستقیم آمریکا در خلیج و در پس گرفتن و زدن امری توسط خود دولت ریگان جراح سبز حمایت معنایی را در یافت، د مقابله سرسج و مستقیم با این خطر برداشت. و د ندر شریک در حینه خالسن آشکار و فعال رژیم فقها وارد شد. واقعه که را با دیداریک سو بمجول اس فعل و انفعالات است. سعادل این واقعه رژیم فقها جدا کنترلاتی بود را در جهت پیبرد همنان سیاست نسلی، جمعی سنی را یکس د سحاب حامی خود د ر کشور های منطقه و بیستور بیستوران اکبر د ای برای بسج شخصیات نفی نامه خود هخا در داخل مملکت جیب گرم کردن حده دستور جنگ با عراق، مورد استفاده قرار داد. نسلی که د یگر تخریبی سابق را ندارد.

اما در اینجا خود ما بدنا نرات این واقعه برسد بسف و بطور اخص د ر بحران خلیج و بحرانی موجود آن مظلوم د با ز یکید استن این راه د ر با شی سمان نیران اصلی حیات انسانی او می باشد. پس همه شمریم همه ها جو سپه دات آنهاست. سنا سخوا همد که خلیج برای مدور نعت و کسب اوزار سنا ندما سوا شانی فشار عراقی در حیدر بیستی دانسته است تا د بهمین دلیل خواهان فعال

آغاز هشتمین سال جنگ و وظائف ما

ادامه از صفحه ۱

مرد ما ، آنان را به جبهه های جنگ بکشاند و در آن - زمان تنها مردم ساکن بخشهای جنوبی و غربی کشورمان ، بخاطر از دست دادن خانه و کاشانه و کارشان ، به مخالفت با آن پرداختند و علیه رژیم تبلیغات و تهدیدات رژیم ، به جنگ تنند آمدند ، با گذشت زمان ، گسترش دامنه جنگ و عواقب و عوارض شوم ناشی از آن ، بحران همه جانبه اقتصادی و از همه مهمتر تجربه توده ها در مبارزه روزمره شان جهت کسب خواسته هایی که برای آنها قیام کرده بودند و سرکوب اعتراضاتشان توسط رژیم به بهانه جنگ ، امروز اکثریت قریب باتفاق توده ها را به مقابله با رژیم و جنگ کشاند است. مقابله ای که علیه سرکوب شدن و زندان شکنجه ، هر روز ، اینجا و آنجا جوانه می زند .

مقاومت کارگران کارخانجات در مقابل سیاست یا اخراج یا جبهه رژیم که "دزدانه" به صفحات روزنامه های رژیم نیز درز کرد ، اعتراض کارگران و کارمندان بخاطر کسر حقوقشان جهت "کمک" به جبهه ها ، مقاومت نوجوانان ، جوانان و خانواده های ایشان از رفتن به جبهه ها و تصویب انواع و اقسام قوانین رنگارنگ مثل "احتساب مدت خدمت دانش آموزان و دانشجویان" . . . که در حقیقت تقلیل قانونی سن سربازی است و طرح "سرباز معلم" و . . . با محور کردن دانش آموزانی که از رفتن به جبهه ها سربازی می زنند ، از حق تحصیل برای همیشه ، تعدد فراوان سربازان فسراری و تهدیدات و تمهیدات مختلف رژیم برای کشاندن آنها به جبهه ها ، از تهدید به محاکمه در دادگاه - های نظامی گرفته تا گروگانگیری خانواده ها ایشان توسط رژیم ، اعزام اجباری ۲۰٪ نیروی انسانی ادارات دولتی به جبهه ها ، وجود صد ها هزار سرباز فراری و کسانیکه به هر نحوا رفتن به جبهه ها خود داری کرده اند در کشورهای مختلف بخصوص پاکستان و ترکیه و . . . همه و همه نشانده مقاومت قهرمانانه و روزافزون مردم ما از رفتن به جبهه ها و ماندگاری رژیم در سیخ نیرو برای کوره - های جنگ لعنتی اش می باشد . به یک کلام دیری است که خواست صلح حلقه اصلی مبارزات مردم کشور ما علیه رژیم ولایت فقیه را تشکیل می دهد .

در صحنه بین المللی نیز اکنون رژیم پیش از پیش بی آبرو شد است . سیاست تروریست پروری و پان اسلامیتی آن در لبنان ، فرانسه و اخیرا در عربستان سعودی ، ترور و کشتار مخالفان در کشورهای دیگر ، عدم پذیرش توصیه ها و قطعنامه های سازمان ملل و رد کوشش های تمامی کشورهای جهان جهت قطع فوری ویدون قید و شرط جنگ و . . . اینها زمینه های مناسبی هستند که افکار عمومی دنیا را به نیا را به نیا از هر زمان ، به جلب حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکش میهنمان آماده کرده اند . اما در راه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و علیه جنگ ارتجاعی ، هنوز وظایف بیشماری اینجا دنیا افتاده اند .

ابعاد فاجعه جنگ بین دولت ایران و عراق برای مردم و کشور ، کمتر در روسانه های گروهی خارجی و افکار عمومی دنیا منعکس شده است. بخصوص در مورد تنفر مردم هردو کشور از این جنگ و مقاومت آنها در برابر اعزام اجباری به جبهه ها ، در حدی بسیار ناچیز سخن رفته است. گزارشهای خبری که خبرنگاران خارجی از ایران ، باهدایت و کنترل دستگاههای امنیتی و تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی ، تهیه کرده و منعکس می کنند ، اغلب این تصور را در افکار عمومی دنیا القا می نمایند که گویا مردم ایران موافق جنگ هستند و حتی مشتاقانه برای "شهادت" به جبهه ها می شتابند .

افشای هر چه بیشتر سیاست های جنگ طلبانه و پان اسلامیتی رژیم برای افکار عمومی دنیا ، انعکاس اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان میهنمان ، به خصوص مقاومت و خودداری آنها از رفتن به جبهه های جنگ ، سازماندهی انواع و اقسام کمکها برای فراریان از جنگ و . . . همه اینها می توانند و باید تنها پایه اتحاد عملها و آکسیونهای مشترک ما با سایر زمانهای متروقی و دموکرات ایران باشد ، بلکه باید در این راستا به اتحاد عمل و برگزاری آکسیونهای مشترک با سایر زمانهای متروقی خارجی ، علیه جنگ اقدام نمود .

در این جهت می باید در هر جا که ممکن باشد ، کمیته های بین المللی موقت یاد آئمی ضد جنگ ایران و عراق متشکل از نیروهای ایرانی ، و خارجی را تشکیل داد . در شرایط فعلی تشکیل کمیته های موقت که

آکسیونهای مشخص و محدودی را پیش رو قرار می دهند ، عملی و ممکن می باشند . این آکسیونها را بمناسبت های مختلف می توان برگزار کرد . اما باید داشت که کارتها ارتکابی جهت انجام این آکسیونها با ایستی با حوصله و وقت و با فرصت مناسب انجام گیرد و در این راه از غلطیدن به مرز بندی های ایدئولوژیک و با موضع گیری های سیاسی زیاد که جز اتلاف وقت و بی عملی شوری دیگرند ، بپرهیز نمود. در برگزاری این آکسیونها و انجام اتحاد عملها کلیه سازمانها و تشکلهای متروقی ، بشردوست و ضد جنگ خارجی که با خواسته های ما توافق کنند ، می توانند شرکت داشته باشند .

قطع فوری ویدون قید و شرط جنگ ، صلح بدون الحاق طلبی و غارت ، قطع صد و اسلحه به هر دو کشور از طرف کلیه کشورهای جهان ، پذیرش سربازان فراری و کلیه کسانیکه به هر نحوا رفتن به جبهه ها سربازی می زنند ، بعنوان پناهنده ، فوری ویدون قید و شرط کلیه اسرا و زندانیان سیاسی در هردو کشور ، اینها آن محوره های اساسی هستند که ما با ایستی تبلیغات و افشاگریهای خود را حول آنها سازمان دهیم و به اتحاد عمل و انجام آکسیونهای مشترک با سایر زمانهای متروقی ایرانی و عراقی و سایر زمانهای متروقی ، ما با ایستی افکار عمومی دنیا را متوجه این نکته کنیم که بدون اسلحه کشورهای خارجی ، این جنگ نمی تواند چند انادامه یابد و آنها نخواهیم که در ولت های خود را برای قطع صد و اسلحه به هر دو کشور تحت فشار بگذارند و از هر معامله غیر قانونی اسلحه با آنها نیز ، جلوگیری کنند .

فشار افکار عمومی خارجی به دولت هایشان در اعطای ویدون قید و شرط حق پناهنده گی به کلیه فراریان از کشورهای بخصوص سربازان فراری و کمک به آنها و رفع کلیه موانع و مقررات ضد خارجیها ، نیز یکی دیگر از محوره های تبلیغاتی ما است .

هشتمین سال این جنگ ارتجاعی را به سال فعالیت و سال اتحاد عملها و آکسیونهای مشترک علیه آن ، تبدیل کنیم .

مرگ بر جنگ ، زند بهاد صلح ، زند بهاد انقلاب

کودکان ، قربانیان کوچک جنگ

اکنون نوبت به کودکان و نوجوانان رسیده است که در وحشت اعزام به کوره های جنگ تنها و بی سرپرست روانه تبعید شوند. چشم انداز تیره پایان جنگ ، پدران و مادران بسیاری را مجبور کرده است برای نجات جان فرزندان خود ، آنان را به دیار غربت اعزام کنند. مسئولین فرودگاه فرانکفورت و کارکنان اداره جوانان اخیرا اعلام کرده اند هر روز تعداد بیشتری از سرچرده های ایرانی بدون والدینشان وارد خاک آلمان میشوند .

بدیچی است در چنین وضعیتی سرنوشت این نوجوانان با ورود به محاکم خارج ایدئولوژیک نیست ، مشکلات تربیتی ، اجتماعی ، عاطفی متعدد و بیجا شب کوناگون زیادی بر سر راه آنان قرار دارد . یکی از این مسائل دردناک که در سندهای گروهی نیز انعکاس یافته ، نگهداری اینها چنان کوچک با کودکان "غیب مانده" آلمانی است . این سیاست در حد خود جنایتی است در حق کودکان مهاجر ایرانی که دارای رشدی طبیعی بوده و غالباً از فرهنگ نسبتاً بالایی برخوردارند .



اما این تنگی است در درجه اول برداشتن رژیم جنایتکار فتنه ، که کوره های جنگ ارتجاعی را با اجساد کودکان ایرانی گرم نگه میدارد. و باعث آوارگی و بی پناهی این مهاجرین کم سن و سسال می شود.

بانشای جنایات رژیم اسلامی در حق کودکان به دفاع از آنان برخیزیم .

فرانسه: بن بست دیپلماتیک

در "عادی سازی" روابط با رژیم تروریست ایران

پس از بر ملا شدن بندوبستهای پنهان سیاسی ایران و آمریکا و افتاء اسرار "ایران گیت" اینک یک بار دیگر بحث درباره دولت تروریست اسلامی ایران و بندوبستهای آشکار و نهانش با دولت فرانسه، در صدر اخبار رسانه های خبری دنیا قرار گرفته است و تروریسم جمهوری اسلامی بویژه از سوی دولت فرانسه مورد حمله قرار میگیرد: "وحیدگرچی" در حالیکه مدت های مدید با مقامات امنیتی و سیاسی فرانسه مراد رسمی داشت، اینک در محافل قدرت ایران در فرانسه مخفی است و پلیس فرانسه با محاصره سفارت ایران بطور جدی در صدد دستگیری کرجی بعنوان یک مقام برجسته در شبکه تروریست های اسلامی در اروپا برآمده است و جمهوری اسلامی نیز کاردار فرانسه در ایران، آقای "پل توری" را متقابلاً به اتهام جاسوسی و قاچاق کربوکان گرفته است! به کمک عناصر نفوذی پلیس در شبکه تروریستهای اسلامی علاوه بر کثرت مقدار زیادی مواد منفجره در جنگلی "بلون" - از همان نومی که در سب گذاریهای مساه سابقه امبر گذشته در پاریس استفاده شده بود - رزق شده است که اشمبیل BMW دودی رنگ که در عملیات بمب گذاری "تاتی" مورد استفاده شده و تروریست ها بویژه است، اینک تغییر رنگ داده شده و زیر پای "وحید کرجی" است و درباره نقش و جایگاه "وحید کرجی" نیز با اطلاعاتی که از دستگیرشدگان و عوامل نفوذی پلیس بدست آمده، پلیس اعتراف کرده است که "وحید کرجی" از رهبران اصلی بانده تروریستهای اسلامی در سطح بین المللی است.

دولت ایران نیز علاوه بر تلاش های عوام - قریبانه در مقابله ملی، در منطقه خلیج فارس، یک بار به روی یک کشتی باری فرانسوی آتش کشود و مدوما تهدیدات خود را به وقوع در کربیبای برداشته و خطرناک، افزایش میدهد.

با متهم شدن "کرجی" و تعقیب او از سوی پلیس، مقامات ایرانی "وحید کرجی" را بعنوان مترجم کاردار سفارت ایران "فلاورا حدادی" در صحنه یک کنفرانس مطبوعاتی در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس (محل اختفای کرجی) علنی کردند.

"حدادی" در این کنفرانس مطبوعاتی که در عصر روز دوم ژوئیه برگزار شد، چند نکته مهم را عنوان نمود:

نخست اینکه: "وحید کرجی" به تومید شده مقامات وزارت امور خارجه فرانسه، در محل سفارت ایران مخفی شده است تا آنها از اسباب بیفخته دوم اینکه: نه ما و نه مقامات وزارت امور خارجه فرانسه مایل به برهم خوردن روند "عادی کردن روابط بین ایران و فرانسه" نیستیم حدادی از شخصی به نام دیدیه دسترسو کارمند عالی رتبه وزارت امور خارجه فرانسه نام می برد از زبان او میگوید: " وزارت امور خارجه مایل نیست، کرجی دستگیر شود" و "اقدامات لازم جهت آرام کردن اوضاع صورت خواهد گرفت." اما برده مسبب این اوضاع را "تمايلات تصدادي از شخصیت های غیر سیاسی فرانسه" ذکر کرده است.

حدادی نیز گفته است: کرجی علیرغم "توصیه رسمی وزارت امور خارجه فرانسه" قربانی یک نزاع داخلی بین جناح های موجود در دولت فرانسه شده است و کرجی "وزارت امور خارجه" اظهارات حدادی را تکذیب کرد. اما این کنفرانس به بحران حدت فوق العاده ای بختید، پلیس فرانسه با زهدم اطلاعات بیشتری را درباره "وحید کرجی" انتشار داد و بخش کوچکی از آرشيو اطلاعاتی اش را درباره فعالیت های چند ساله "وحید کرجی" علنی کرد. محاصره سفارت چند برابر شد. یک دیپلمات وابسته به شبکه تروریستی سفارت ایران بنام امین زاده از طرف بخش کمک فرانسه در فرودگاه ژنو مورد بازرسی قرار گرفت و علیرغم مقاومت او، مدارک بسیار مهمی بدست پلیس افتاد که هنوز درباره محتوای آن هیچ نکته ای انتشار نیافته است!

دولت ایران نیز تهدیدات روزمره خود را افزایش داد و با یک التیما توم، خواهان آن شد، که ظرف ۷۲ ساعت دولت فرانسه محاصره را از روی سفارتخانه جمهوری اسلامی در پاریس بردارد، در غیر این صورت روابط دیپلماتیک خود را با فرانسه قطع خواهد کرد.

افتا کوری ها و اسناد منتشره علیه تروریسم جمهوری اسلامی نقش "کرجی" در هدایت شبکه تروریستی جمهوری اسلامی افکار عمومی را بقصدی عسایر کرد که دیگر جایی برای باج دادن بیشتر و معاشات آشکار با دولت تروریست ایران باقی نمی گذاشت. پیش از موعد مقرر، رئیس جمهور و نخست وزیر فرانسه در اجلاس ویژه بتاریخ ۱۷ ژوئیه، خواهان قطع رابطه دیپلماتیک بین ایران و فرانسه شدند و بدین وسیله رونسند "نورمالیزاسیون" روابط بین ایران و فرانسه پس از یک دوره چند ماهه به بن بست کامل رسید!

در میان دست راستی ها که از سال ۱۹۸۶ بار دیگر برجم تادی سازی را برافراشته بودند دو کرایش متفاو تر سرچگونگی مناسبات با جمهوری اسلامی وجود داشت: یک جناح از حزب دست راستی "RPR"، برچندار "عادی کردن روابط با کشور بزرگ ایران" شد و انعطاف فوق العاده ای از خود بخروج میداد. جناح دیگر جناح "پاسکوا" (وزارت کشور) است که علیرغم اعتقاد به "بزرگ بودن کشور ایران و اهمیت منافع اقتصادی ناشی از "عادی شدن روابط"، حاضر به پذیرش باج خواهی های نامتعارف جمهوری اسلامی نبود و هم مترا اینکه تعلق خاطر جناح پاسکوا به رژیم عراق از زمینه های بیشتر مادی (چهل میلیارد دلار) که فرانسوی در اقتصاد عراق ریشه میگیرد در عین حال نباید فراموش کرد که این جناح از میان جدی مجاهدین نیز محسوب می کنند.

بنابراین از همان ابتدای عقد قراردادها دولت فرانسه به خواست ایران مبتنی بر عدم حمایت از دولت عراق "فاطمه نه گفت و حاضر نشد" هم حجم سلاحی که در اختیار عراق قرار میدهد، به جمهوری اسلامی نیز بفروشد.

علیرغم این، دولت فرانسه به مناقصه اقتصادی عظیمی در مناسباتش "با ایران بزرگ" چشم دوخته و امید داشت که علاوه بر این منافع سنگین، بتایا رتیبستیا، گروگانهای فرانسوی را نیز از لبنان آزاد کند (بهمین خاطر طمس انعطاف زیادی به خرج داد: علاوه بر ایجاد تضحیقات برای پناهندگان ایرانی و اخراج مجاهدین از بدهی و بدعهدی میلباردی خود، علی الحساب ۳۳۰ میلیون آن را برپا داشت.

اما برای جمهوری اسلامی شرط "عدم نبداری از دولت عراق" یا برخورد مساوی در فروش سلاح " از اهمیت زیادی برخوردار بود و این پذیرفته شده بود. بهمین خاطر برای اعمال فشار، اهرم "تور" بگزار گرفته شد و اقدامات تروریستی متعددی علیه دولت فرانسوا زوسی بیکه تروریستی جمهوری اسلامی به عمل آمد. اما از آنجا که عوام ملنفوذی پلیس فرانسه در این شبکه خرد کرده بودند، پلیس و دولت فرانسه سرخ را در دست کسانی نمی دید که با او بر سر میز مذاکره دوستانه نشسته اند! در مزجای معمول چنین امری اتفاق نمی افتد. اما رژیم فقها رژیمی استثنایی است و این را کوشی فرانسوی ها نمیدانستند!

بهر رو زیر پا گذاشتن نرم های عسادی و اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی که حد اقل برای افکار عمومی فرانسویان قابل قبول نیست، دولت فرانسه ربه واکنش واداشت: با افتاء برضی سادو رونبدها و به تدریج از زبان عوامل نفوذی خود، مستقیما سفارت جمهوری اسلامی را مرکز هدایت شبکه تروریستی اسلامی معرفی کرد.

جمهوری اسلامی نیز در خلال مزخرفات عوام - قریبانه خود پرده از بزخی سرا برداشت که جملگی نشان از همت ارتجاعی مناسبات آنها با یکدیگر دارد و نشان دهنده این حقیقت است که دولت -

های ارتجاعی و بورژوازی هرگاه منافع شان به خطر بیفتد، "اسرار مشترک" بطور یکجا شبها فشا می شود!

به هر روتا به امروز، علیرغم میل و کرایش عمومی دولتین ایران و فرانسه، مناسبات این دو کشور به بن بست کشیده است و حتی اگر عا طراطی بین مشی دولت فرانسه در قبایل جنگ ایران و عراق را از محاسبه کنار بگذاریم، تروریسم آشکار رژیم خمینی و باج خواهی ها و متعارف آن دعوی دولت فرانسه و ایران ربه دعوی اصولی بدل کرده است که بسادگی نمی توان در مرتفع شود. در عین حال همانگونه که "ایران گیت" و زدوبندهای پنهانی آمریکا با رژیم ایران، بدلیل استراتژی آمریکا در قبایل جنگ ایران و عراق (جنگ بدون فاتح یا عدم سقوط عراق) به بن بست کشیده شد، سرنوشت مناسبات ایران و فرانسه نیز بدلیل جانبداری اش از عراق نمی توانست جز این باشد.

بسته شدن کنسولگری جمهوری اسلامی در برلین غربی

اخیرا فرماندهی قوای متفقین در برلین غربی به دیپلماتهای ایرانی (و نیز چند حزب الهی غیر دیپلمات) دستور داد که از این شهر خارج شوند. برای این تصمیم هیچ توضیحی رسماً داده نشده است اما طبق گزارشات خبری، آمریکا بعنوان نیروی اصلی در این تصمیم گیری میخوهد با اخراج دیپلمات - تروریستهای اسلامی در مورد اقدامات تروریستی احتمالی ایران پیش گیری کند. نکته جالب در این میان این است که دولت آلمان فدرال اظهار می دارد که در مورد اخراج دیپلماتهای جمهوری اسلامی با وی مشورتی شده است! ظاهرا این دولت نمی خواهد که روابط بسط حسنه و مسیما نه ای که به بین دیپلماتی تساهل مآبانه آلمان فدرال، بین طرفین ایجاد شده است حداقل تا آزا ناید گروگانهای آلمانی در بیروت به هم بخورد. آنچه آته به دولت آلمان در این میان قوت قلب داده است، اظهارات بزرگانه هاشمی رفسنجانی در محاسبه با یکی از روزنامه ها - های آلمانی است که طی آن وی اظهار می دارد که ایران تا "حدمیستی" بر حزب الله لبنان نقش داشته و آنها از ایشان حرف شنوی دارند. در این محاسبه هاشمی رفسنجانی برای اینکه ظاهر معصومانه ای به مسئله بدهد اعما می کند که "کمانال ارتباطی" با حزب الله لبنان پیدا شده است، اما ظاهرا از طرف عجله در دروغ گوئی توجه نمی کند که اگر این "کمانال ارتباطی" جدید ایجاد شده است، حرف شنوی حزب الله لبنان از رفتار "حدمیست" نفوذی آنها بر حزب الله بی معنی است...

دولت آلمان نیز برای قهرمانی است که دیپلمات های ایرانی اخراج شده از برلین، درها میسورگ به "کار" مشغول شوند. در مورد چنود چون این "کار" ما توجه خوانندگان پیام کارگر ربه افشاگرهای اخیر مطبوعات اروپائی در مورد شبکه ها تروریستی جمهوری اسلامی (و از جمله مطالبی که هفته نامه "اشترن" منتشر کرده است) جلب می کنیم.

فدا انقلابیون نیکا را گوا از زبان کلنل نورث

جناب کلنل نورث، عامل و رابط اصلی معامله با رژیم اسلامی که بخشی از چوه مربوط به فروش اسلحه به فقها ربه حساب فدا انقلابیون نیکا را گوا و اریز نمود، در برابر کمیته تحقیق سناراج به "ایران گیت" حقا یقی را افتاء کرد که اگرچه برای اکثر مردم جهان روشنتر از افتاب است اما در هر حال خوانندش جالب و تکرار آن در هر کجا لازم است. ایشان در پاسخ به سوال یکی از افتاء کمیته تحقیق (جورج وان کلو) مبنی بر اینکه اگر کمک مالی به فدا انقلابیون کنترادونیکارا گوا به جای کمک قلبی که توسط کنسره قطع شده بود انجام نمی گردید چه بر سرقاومت آنان می آمد جواب داد: "ارزیابی ما چنین بود که اگر کمک مسدودت نمی گرفت مقاومت کنترادونیکارا بیشتر! زش تا ده ماه نمی توانست ادامه یابد و آنها مجبور به پناهندگی شدن می گردیدند و هم چنین لطامتی به دمکراسی (ا) های مساهیه وارد می آمد."

حزب "کمونئیست" کومه‌له در مسیر انزوا

بد نیال فتوای آقای مهندس دی در شماره ۳۱ نشریه کمونئیست، کمیته خارج از کشور حزب "کمونئیست" کومه‌له با انتشار اعلامیه‌ای در ماه ژوئیه با اصطلاح بایکوت سا زمان ماراد رخا رخا از کشور اعلام کرد. با اعلام این موضع، این "حزب" بطور کامل روشهای غیرسیاسی را جایگزین مبارزه‌اید ثولوزیک کرد و در منجلا ب فرقه گراfi مبتذل خود را بیش از پیش غوطه ورساخت. ما از این بابت متأسفیم. تا سفا ما از نجاست که می‌بینیم در رشرایطی که مبارزه انقلابی مردم پیوسته شتاب بیشتری میگیرد، در رشرایطی که طبقه کارگر به فرا زهای تازه‌ای از جنبش خود دست می‌یابد، در رشرایطی که نهضت ضد جنگ عمق بیشتری می‌یابد، در رشرایطی که زندانیان قهرمان ایران در کام درخیم علیه اعدا م انقلابیون بپاخاسته و اراده تسلیم ناپذیر زحمتشان را بنمایش می‌گذارند و این واقعیت‌ها وظایف سترگی را، برپا بر نیروهای انقلابی و دموکرات قرار داده و از آنها برخورد های شایسته و احساس مسئولیت انقلابی می‌طلبد، این "حزب" با اصل قرار دادن منافع گروهی خود راه انزوا را پیش گرفته و وظیفه خود را تفرقه افکنی در میان نیروهای جنبش قرار داده است. بایکوت راه کارگران با از طرف این "حزب"، با همسان شیوه‌های شناخته شده در روع و تحریف و زبردان شعراهای کهنه شده پیش برده می‌شود. این بار هم سعی بر اینست که مواضع سا زمان ما را با حزب توده و اکثریت یکی جلوه بدهند. اینها نیز در کار خود تا آنجا پیش می‌روند که هرگونه اخلاق و برخورد سیاسی را کنار می‌گذارند. و ما به ابرتمای اختلافات اید ثولوزیک میان ما و طیف راست چشم فرو می‌بندند، ادا می‌کنند راه کارگر هم در طیف توده‌ای است و تفاوتی با حزب توده ندارد. اما اگر این "حزب" بنا بر مواضع صد سوسیالیستی خود مصلحت می‌داند چشم بر حقیقت بر بندد و مواضع ما را تحریف کند همه آنان که از تاریخ سا زمان ما اطلاع دارند، بخوبی می‌دانند که راه کارگر بیشترین و پیگیرترین مبارزه اید ثولوزیک و سیاسی - البته نه با روش پیش نهادی آقای مهندس دی از طریق بیرون انداختن توده‌های اراضفوف کارگران را علیه فرمیستهای توده‌ای - اکثریتی خائن به طبقه کارگر دنبال کرده و بد نیال چرخش "نوین" حزب توده در مقابل بله رژیم نیرزا آتش با ری بمراتب شدید تر (زیرا اپورتونیسیم در رشرایط جدید خطرناکتر عمل می‌کند) به نقد و افشای نظرات و جایگاه این طیف پرداخته است. در رک تفاوت مواضع راه کارگر با طیف توده‌ای برای کسی که کمترین اطلاع از ا ز جریان انقلاب ایران طی سالهای اخیر داشته و یا از ورد سستی بر آتش مبارزات داشته باشد ابد اد شواریست. پس چگونه است که گروهی که بر خود نام "حزب" نهاد و رویای برپا کردن یک انترناسیونال نوین را در سر می‌پروراند قادر به تشخیص این حقیقت ساده نیست؟ مشکل عدم درک "حزب" چیست؟ مشکل حزب "کمونئیست" کومه‌له مانع اود در تشخیص تفاوت ماهوی سا زمان ما با حزب توده و سا زمان اکثریت می‌باشند، ارد و گاه سوسیالیسم است که ما آن را به عنوان بزرگترین دستاورد پرولتاریا و دست و متحد انقلاب ایران تلقی می‌نمائیم. و حزب "کمونئیست" در سیمای آن دشمن طبقاتی خود را می‌بیند. این یکی از اختلافات اساسی ما با حزب "کمونئیست" کومه‌له است که باید همواره به آن صراحت داد و حول آن به مبارزه اید ثولوزیک پرداخت. ولی از دفاع ما از ارد و گاه سوسیالیست چگونه می‌توان یکی بودن مواضع راه کارگر و حزب توده را نتیجه گرفت؟

حاصل نشده است و سا زمان ماد ر تمام دوران حیات خود از این مواضع دفاع کرده و آنها را در سطح جنبش ترویج کرده است، این سؤال مطرح می‌شود که چرا امروز حزب "کمونئیست" کومه‌له یکی بودن راه کارگر و حزب توده را کشف کرده است. اینکه حزب "کمونئیست" کومه‌له چرا امروزه این کشف نا امل آمد ه است خود در رد رجعا اول نشان دهنده پیشروی "حزب" در منجلا ب و فرمیسم سوسیال دموکراتیک و در نتیجه تشدید خصومت ضد سوسیالیستی آن است و سپس اینکه "حزب" هیچ نظر خوشی نسبت به اپورتونیسیم شدن طیف توده‌ای ندارد و این تغییر را به سود منافع فرقه خود نمی‌داند، و بالا خره اینکه، پیشروی خط اصولی راه کارگر و بخصوص توسعه شی فعالیت کمونئیستی و سا زمانگسری توده‌ای که عرصه را برای فرقه‌های سکتاریست تنگ کرده "حزب" را هم مجبور به سفت کردن پوسته فاعی اش کرده است. یکی از هده فهای ماهمد قیقا شکستن همین پوسته فاعی سکتاریستی است. ما روی اختلافات اساسی اید ثولوزیک مان با حزب "کمونئیست" کومه‌له ایستاد ایم و به ادر حق می‌دهیم مواضع خویش را با منطق و متد ثولوزی مخصوص به خود تجزیه و تحلیل کند. اما بحث اصلی ما در اینجا این است که این اختلافات اید ثولوزیک چه ربطی به سیاست انقلابی دارد؟ چرا "حزب" در عوض پاسخ به سؤال ماد رژیمه سیاست انقلابی مدام به مدت توده‌ایسم می‌پردازد، چرا توضیح نمی‌دهد در این مرحله از رشد مباره طبعی در ایران، و در این سف آرائی طبقاتی که ام سیاست انقلابی را پیشنهاد میکند و اتحاد های موقتی و مشروط آن با کیست؟ این سؤالات، برای جنبش ما که در وضعیت حساسی بسر می‌برد، سوالاتی کلیدی اند. مرد مجوبای آنند که بدانند انقلاب شان چگونه، از کدام راه‌ها و با کدام نیروها باید راه بگشاید. یک حزب جدی که بینا زهای جنبش انقلابی را همان نیا زهای مبارزه خود می‌داند باید به این سوالات پاسخ صریح و روشن بدهد. اما حزب "کمونئیست" کومه‌له یک حزب جدی نیست زیرا در عوض اعلام سیاست انقلابی خود سیاست انقلابی سا زمان ما را مورد حمله قرار می‌دهد و عجیب تر آن ایفکه ما را با بایکوت می‌کند! و برای موجه جلوه دادن این عمل خویش سعی کرده در لیل سیاسی و محکمه پسند ی ارائه کند! بدین ترتیب که موضع راه کارگر نسبت به مصوبات پلنوم هفتم سا زمان فدائیان خلق را بهانه می‌آورد. در رابطه با همین دلیل سیاسی هم باید اذعان کنیم که "حزب" بد جور ی در گمراهی است. آیا این خنده دار نیست که یک حزب سیاست انقلابی خود را با حزب دیگر مشروط به موضع آن حزب نسبت به حزب سومی بکند. یک چنین روشی را فقط می‌توان در رد بیلوماسی طوایف و فرقه‌های مذ هبی سراغ گرفت. سیاست انقلابی با این شیوه فرقه‌گرایانه و ی مخالفت دارد. از این گذشته این روش را تا کجا می‌توان اده داد. منطقی درونی آن حکم می‌کند که این روش به بایکوت زنجیره‌ای همه منتهی گردد. و از راه بایکوت امروزه راه کارگر بخاطر سیاست انقلابی اش به بایکوت سا زمان د یگسری بخاطر اختلاف او با راه کارگر منجر می‌گردد. و بدین ترتیب آنچه در نهایت باقی خواهد ماند انزوا ی خود حزب "کمونئیست" کومه‌له خواهد بود. بنا بر این "حزب" حق دارد با هر کس که می‌خواهد عقد اتحاد ببندد و با هر کس که نمی‌خواهد نبندد اختیار را خود ش است ولی اگر بخواید سیاست انقلابی حزب د یگری را تعیین کند و از این بد تر و زشت تر د یگرانی را فرابخواند که آن حز بر با بایکوت کنند در بهترین حالت نقش یک رئیس قبیله را بر عهده گرفته است. این نقش والا را کمیته خارج از کشور حزب "کمونئیست" کومه‌له این چنین بازی می‌کند: "ما از همه رفقای هواد از حزب کمونئیست ایران و همه نیروهای طرفدار طبقه کارگر رخا رخا از کشور می‌خواهیم که هر نوع اتحاد عمل سیاسی و همکاری با راه کارگر و طرفداران اش را ماه ام که آنها سیاست قرار گرفتن در کنار توده‌های ما و اعلام آمادگی برای همکاری و اتحاد عمل با اکثریتی های کشتگری را پس نگرفته اند و... تحریک ما باند. این موضع بقدری مضحک است که "حزب" برای معقول کردن آن در مدهم به ما استدلالا ت مربوط به توده‌های بودن راه کارگر متوسل می‌شود. به این خاطر قیقا معلوم نمی‌شود آیا بالا خره تحریم راه کارگر بعلت ماهیت آن است یا بخاطر مواضع آن نسبت به سا زمان فدائیان خلق. ضعف منطق برای جاندا اختن این موضع نامعقول و سکتاریستی، کمیته خارج حزب کومه‌له را واداشته از اجدادش ای مثل د رگیری فوانکفورت که یک پای مسئولیت آن متوجه خود شان می‌باشد سند تکمیلی دست و پا کند تا تحریم راه کارگر با اصطلاح د و قبضه شود. در این رابطه، در اده همان نقل قول ذکر شده در بالا، کمیته



بزرگترین اعتصاب در تاریخ آفریقای جنوبی :

۲۸۰ هزار کارگر معدن دست از کار کشیدند

اخبار کوتاه خارجی

آفریقای جنوبی

اعضای یک هیئت از سفیدپوستان لیبرال آفریقای جنوبی که برای مذاکره با اعضای کنگره ملی آفریقا (ANC) به داکار با تاخت سنگال سفر کرده بودند، به آفریقای جنوبی بازگشتند. پلیس، عده‌ای از دست راستی‌های افراطی را که در اعتراض به این مذاکره در فرودگاه تجمع کرده بودند متفرق ساخت و از هیئت مذکور خواست که برنانه کنفرانس مطبوعاتی خود را لغو نماید. شکار در بین سفیدپوستان لیبرال کسمه طرفدار مذاکره با سازمانهای معتبرسیا هیوستون در جهت یافتن بکارهای حل فرمیستی هستند و دست راستی‌های افراطی که یک گام نیز از برنانه نژادپرستانه خود عقب نشینی نمی‌کنند هر روز عمیقتر می‌گردد.



آفریقای جنوبی :

دوماه ژوئیه ۱۵ نهیستند، از اپوزیسیون رادیکال مخالف دولت آفریقای جنوبی "کنگرسه نویسندگان آفریقای جنوبی" را بنیاد نهادند هدف این سازمان مبارزه در کنار سایر سازمانهای بویژه اتحادیه‌های کارگری بر علیه دولت تبعیضی نژادی است. اعضای اتحادیه اکثریت بزرگ نویسندگان آفریقای جنوبی رادیکال که قصد دارند فرهنگ رادیکالی خالی از محتوای نژادپرستانه را گسترش دهند.

آفریقای جنوبی :

پلیس آفریقای جنوبی روز ۲ ژوئیه، تمام رهبران بزرگترین سازمان قانونی مخالف دولت، "جبهه متحد مومکراتیک" (UDF) را دستگیر نمود. این جبهه که در سال ۱۹۸۳ بنیان نهاده شد از ۸۵ گروه مختلف بلدومیا بین عضو تشکیل شده است. در حال حاضر کلیه رهبران این جبهه بجز دو نفر از سرپرستان جبهه دستگیر شده‌اند.

ال سالوادور :

روز سه شنبه ۷ ژوئیه، خوزه ناپلیون د وارتو، رئیس جمهور ال سالوادور را ز جمهوری فدرال آلمان دیدن کرد. سازمان عفو بین‌المللی بدین مناسبت از وی خواست که "شکنجه و مرگ" رادال سالوادور متوقف نماید. این سازمان همچنین از دولت آلمان درخواست کرد که مسائل مربوط به قربانیان در ال سالوادور را با د وارتو به مذاکره بگذارد. طبق آمار ارائه شده از طرف گروههای طرفدار حقوق بشر، از ۱۹۷۹ بدینسو بیش از ۳۰۰۰ نفر در جنگ داخلی جان خود را از دست داده‌اند.

امریکا :

۱- دریکسال گذشته بیش از ۳۵۰۰ نفر بجز شرکت در دفاعات علیه سیاست‌های دولت ریگان در حمایت از دولت نژادپرست آفریقای جنوبی توسط پلیس آمریکا بازداشت شده‌اند.
 ۲- از تاریخ ۱۲ ژوئن تا هرات گسترده‌ای تحت نام "تابستان مقاومت" بر علیه سیاست‌های امپریالیسم آمریکا در این کشور برگزار گردید است. تاکنون بیش از ۵۰ تظاهرات علیه سیاست دولت ریگان در آمریکا مرکزی صورت پذیرفته که شمار ملی آنها علیه بزرگترین مانور نظامی آمریکا که با شرکت ۴۰۰۰۰ سربا ز در آمریکا مرکزی انجام گرفت، بوده است.

اعتصاب تاریخ این کشور است، بطوری که صنعت آفریقای جنوبی را، که اساسا برسد و طلا و زغال تکیه دارد، متوقف کرده است. شرکت انگلیس-آمریکایی معادن آفریقای جنوبی تأیید کرد که زور قبیل اعتصاب گسترده‌ای در معادن طلا و زغال - بویژه در منطقه بیت بنکد را با لست ترانسوال - که زیر کنترل شرکت نامبرده قرار دارد، آغاز کرده است. این شرکت تقریباً ۸٪ کارگران معادن طلا و زغال را، که تعدادشان بیش از ۲۰۰ هزار نفر است و به دولت اتحادیه دست از کار کشیده‌اند، زیر پوشش خود دارد.

ژوهانسبورگ - خبرگزاری‌ها - ۱۱ اوت ۸۷ به دولت اتحادیه میهنی کارگران معدن حسد ود - هزار کارگر معدن در سراسر آفریقای جنوبی دست از کار کشیدند. خبر اعتصاب از سوی دبیر کل اتحادیه، مارسل گولدینگ، اعلام شده. وی گفت که ۸۰ هزار کارگر زغال کارگران اعتصابی، عضو اتحادیه نیستند. او همچنین اضافه کرد هنگامی که اعضای اتحادیه نه‌نستی در شهر لوین داشتند مورد تهاجم مأمورین امنیتی قرار گرفتند، در ضمن مأمورین باشلیک گلوله‌های لاستیکی پسوی اعتصاب بین سعی در رد و هم شکستن اعتصاب راداشتند. گفته میشود این اعتصاب قانونی بزرگترین

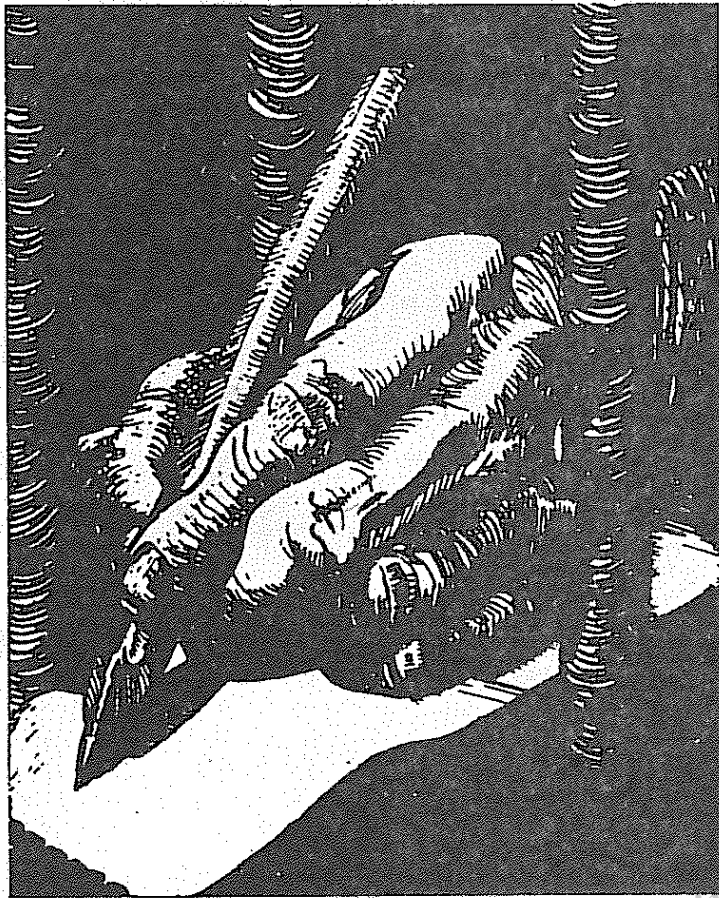
لبنان : اعتصاب عمومی سراسری



خطا و راهی گذشته است که از دولت خواسته شده بود تا پیش از اینکه فرصت از دست برود بخواسته‌های مردم ترتیب آرد. " و افزود: تا زمانی که خواسته‌های کارگری برآورده نشوند با زهم به اعتراض، تظاهرات و اعتصاب عمومی متوسل خواهد شد و چرخ زندگی را قفل خواهد کرد. " اتحادیه " که خواستار اجرای یک برنامه نجات اقتصادی - اجتماعی فوری، تعدیل دستمزدها به نسبت افزایش هزینه زندگی، و بازگرداندن نرخ لیره لبنانی به سطح مادی خود و تقویت آن در برابر سایر ارزها و بهبود کمکیهای اجتماعی می‌باشد. به نقل از روزنامه کویتی القیس ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۷

بیروت، خبرگزاری‌ها - روز ۲۳ ژوئیه - اعتصاب عمومی سراسری تمام بخشهای اجتماعی لبنان را فراگرفت. این اعتصاب به دولت " اتحادیه عمومی کارگران " در اعتراض به وخامت وضع معیشتی و افزایش شدیدی قیمتها صورت گرفت و بعنوان آخرین اخطار اعلام شد. چهار میلیون لبنانی دست از کار کشیدند و بخشهای مختلف سندیکایی، تجاری، مالی و سیاسی از آن حمایت کردند. این اعتصاب در سه ماه اخیر است که به دست " اتحادیه " انجام می‌گیرد. رادیکالیسم لبنان " به نقل از آنتوان بشاره رهبر " اتحادیه " گفت: " اعتصاب در یوزید نبال

ضربانی بر دیوار



نه
من تسلیم نخواهم شد.
هنوز بر دیوار جانی نوشته نشده باقی است
و انگشتانی که خود را در اختیارش قرار نداده اند.
ضربانی بر دیوار.
اطلاعیهای از خلال دیوار.
ضربانی بر دیوار
که رگهای ما شده اند.
خون ما جاری است
جاری از میان این دیوارها.
ضربه‌ای بر دیوار
اطلاعیهای از خلال دیوار
آنها یک بند دیگر را بستند.
آنها یک زندانی را کشتند.
آنها یک بند جدید با ز کردند.
آنها یک زندانی دیگر آوردند.....

از شاخه‌های انقلابی فلسطینی "معین بزیرو"
برگردان از بهرام مزدک نیسان



پیکر از امام

حسن حسام

خاموش

چنان چون شولای شب پایان
- زبروخا کستری -
ویا چون شب بیابان قرق
- سردو سیاه -
تیغ بر آهیخته را زیردا
به نوازش می‌تاباند!

و
به ندبهای غوکان گوش‌رها می‌کند.
دهانت جز به دعا و لابه اگر بشکوفد
صله‌اش سرب مذا بیست که این هول
در آستین گشاده نهان کرده است.



مسائل تشکیلاتی

در کنفرانس پنجم بین الملل کمونیست

گزارش پیا تیتسکی.

منتشر شد

ترجمه روشن

کانادا : اعتراض و مخالفت با تصویب لایحه

پیشنهادی در مورد تجدید نظر در قوانین مهاجرت پناهنده‌گی به دولت محافظه‌کار برپایان مالرونیسی ارائه کرده‌است. طبق این لایحه موانع جدی بر سر راه ورود پناهنده‌گان به کانادا ایجاد می‌شود و همچنین دست دولت را در اخراج پناهنده‌گان باز می‌گذارد. در پی این اقدام یک "کمیته ائتلافی" مرکب از بعضی از اتحادیه‌ها، سندیکاهای و سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، گروه‌های دموکرات مسیحی احزاب و گروه‌های مترقی در مخالفت با تصویب لایحه پیشنهادی و نیز بسیج افکار عمومی علیه آن تشکیل شده‌است. "مرکز همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان"، در مونترال، که عمدتاً به مسائل سفی ایرانیان در رسیدگی می‌کند، نیز پیشنهاد همکاری نزدیکی با "کمیته ائتلافی" را داده که پس از توافق به تشکیل یک "کمیته موقت" انجامید. از جمله اقدامات "کمیته موقت" بسیج ایرانیان مقیم کانادا علیه تصویب لایحه، برگزاری کنفرانس مطبوعاتی و راه‌اندازی تلوویزیونی، گردآوری امضا و ارسال تلگرام و نامه‌ها به مقامات دولتی و سران احزاب مخالف، برپایی اعتصاب غذای یک روزه و... بوده‌است. اخبار فعالیت‌های "کمیته" در همه جا و طی مصاحبه تلوویزیونی پخش گردید. در ۱۷ ژوئن به دعوت "کمیته" یک گرد هم آیی نیز انجام گرفت که حدود ۳۵۰-۳۰۰ نفر از جمله نمایندگان گروه‌ها و سازمان‌های عضو "کمیته ائتلافی"، عناصر مترقی کبک، پناهنده‌گان سیاسی ایرانی و ملیت‌های دیگر، در آن شرکت کردند. در پایان این گرد هم آیی از سوی مرکز همکاری‌های فرهنگی و... "نمایشگاه عکس مربوط به جنایات و فجایع جنگ ایران و عراق برپا شد و مورد استقبال قرار گرفت.

آلمان فدرال :

تظاهرات به پشتیبانی از پناهنده‌گان ایالت بایرن

نوریدن اشتات - ایالت بادن
 در ۱۷ اوت ۸۷، حدود ۴۰۰ نفر از پناهنده‌گان سیاسی ایرانی در فروریون اشتات :

(Freudenstadt) - در ایالت بادن - دست به تظاهرات زدند و تظاهرات کنندگان پلاکاردهایی را حمل می‌کردند که در آن شعارهایی با مضامین مرگ بر جمهوری اسلامی، قطع جنگ ایران و عراق، حکومت شکنجه و اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و در ارتباط با شرایط زیستی پناهنده‌گان در آلمان و پیوسته در ایالت بایرن و کوتاه کردن مدت رسیدگی به پرونده متقاضیان پناهنده‌گی سیاسی و... نوشته شده بود. این تظاهرات، که برای نخستین بار در این شهر برپا می‌شد و روزنامه‌های محلی نیز انعکاس یافت، بیش از هر چیز بخاطر پشتیبانی از اعتصاب و اعتراض‌های پیگیر پناهنده‌گان ایران در ایالت بایرن بود که حدود یک ماه است از ریافت جیره غذائی خود - دری کرده‌اند. در پایان تظاهرات بقدری کمک مالی جهت شورای هماهنگی پناهنده‌گان ایالت بایرن، جمع‌آوری و ارسال گردید.

فرانسه - پاریس : تجمع اعتراضی سازمانها و افراد مترقی در مقابل دفتر سازمان ملل متحد

بدنبال حمله مسلحانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در پاکستان به اماکن مسکونی پناهنده‌گان ایرانی در شهرهای کویته و کراچی و کشته شدن ۲ نفر و زخمی شدن ۲۰ نفر و دستگیری تعدادی از پناهنده‌گان توسط پلیس پاکستان و همچنین برای اعتراض به سیاست‌های ترور رژیم جمهوری اسلامی، تعدادی از سازمانها و افراد مترقی تصمیم گرفتند در مقابل سازمان ملل متحد (بخش پناهنده‌گان) دست به عمل اعتراضی بزنند. صبح دوشنبه (۲۰) ده‌ها تن از ایرانیان با در دست داشتن پلاکاردها، مرکز برزیل را در ایران در مقابل دفتر سازمان ملل اجتماع کردند و همچنین تعدادی اعلامیه نیز در محکوم کردن این عمل بین‌المللی پخش کردند و فریبخواهان نماینده با مسئولین این دفتر مذاکره و درخواستهای خود را بدین ترتیب بیان نمودند :

- ۱- تا مبنی جانی پناهنده‌گان
- ۲- رسیدگی به وضع بهداشتی پناهنده‌گان ایرانی در پاکستان
- ۳- دادن بزرگ هويت به پناهنده‌گان
- ۴- انتقال پناهنده‌گان به دیگر کشورها

و همچنین رسیدگی به وضع پناهنده‌گان که پلیس دستگیر کرده‌است. مسئول سازمان ملل (بخش پناهنده‌گان) اعلام کرد که تلگرافی به ژنوبرای کمیاری عالی پناهنده‌گان و به تمام پناهنده‌گان در پاکستان خواهد فرستاد و درخواستها را منعکس خواهد کرد.

در ضمن وی گفت اگر شورای امنیت در قلعینا مدخود؛ ایران را محکوم کند می‌تواند تسهیلات بیشتری فراهم آورد خصوصاً برای سرپا زدن قرائی. در ضمن نماینده سازمان ملل گفت که به وی گزارشی رسیده که درگیری دوطرفه بوده‌است.

فرانسه - پاریس :

خاکسپاری در گورستان "پرلاشز"

بدنبال ترور جنايتكارانه رفیق حمید رضا چیتگر عضو کمیته مرکزی حزب کار (توفسان) که ز طرف عوامل ارتجاع اسلامی صورت گرفت و خبر آن در بیامکار شماره ۲۰ نیز درج گردید، علیه این جنایت بیباک و از سوی خانوادها، سازمان و نزدیکانش، مراسمی در چند شهر مختلف اروپا برگزار شد.

در پاریس، گورستان "پرلاشز" در روز شنبه ۱۸ اوت، شاهد گرد هم آیی بیش از ۳۰۰ نفر از دوستان، رفقا، خانواده و پناهنده‌گان سیاسی ایرانی بود.

در این مراسم قبل از بخاک سپردن پیکر بیجان حمید، پیام سازمان خارج از کشور حزب کار را برپا کردند و شعارهایی را با صدای بلند و با هیجان بلند خوانده شد و طرفداران را وادار کرد که با این مناسبت از سوی شخصیتها و سازمانها از جمله وادیا رییس سازمان ما پیام همدردی به خانواده شهید داده شد.

در پایان شرکت کنندگان در مراسم، دفتر یادبودی را امضاء کردند.

آلمان فدرال - دینفس لاکن :

نمایشگاه عکس از جنایات رژیم در تاریخ ۳۱ ژوئیه شورای پناهنده‌گان دینفس لاکن با همکاری پناهنده‌گان ایرانی ساکن در آنجا اقدام به برگزاری نمایشگاه عکس از فجایع و جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران نمودند. این نمایشگاه که برای حمایت از زندانیان سیاسی و جهت رساندن صدای اعتراضی زندانیان گوهردشت و اوین که دست به اعتصاب غذا زده‌بودند، برگزار شد و در جهان برگزار شد و به استقبال اهالی دینفس لاکن روپوشد و... عنفرا ز اهالی با امضاء طوماری حمایت خود را از زندانیان سیاسی در ایران اعلام کردند.

کانادا : تظاهرات به حمایت از "ویکتور کالادو"

به دعوت کمیته دفاع از ویکتور کالادو، پناهنده مترقی السالوادوری، در ۱۶ ژوئن، تظاهراتی در برابر ساختمان اداره مهاجرت در مونترال برپا شد. در این تظاهرات که با شرکت حدود ۱۰۰ نفر انجام گرفت پناهنده‌گان ملیت‌های مختلف و از جمله ایرانیان حضور داشتند. تظاهرات کنندگان پلاکاردهایی مبنی بر دفاع از کالادو، اعتراض به لایحه پیشنهادی وزیر مهاجرت، و شعارهایی در دفاع از پناهنده‌گان سیاسی و اعلام همبستگی با آنان را حمل می‌کردند. در نتیجه این اعتراضات حکم اخراج کالادو لغو گردید و ولی محدودیتهایی برای وی در نظر گرفته شده‌است.

آلمان فدرال :

مخالفت خلبانان لوفت‌ها نزا با دپورت پناهنده‌گان

خلبانان لوفت‌ها نزا، آلمان به مخالفت فعال با برگشت دادن متقاضیان پناهنده‌گی در این کشور پرداخته‌اند. آنها معتقدند که برگشت دادن پناهنده‌گان، آنها را با خطر مرگ و زندان در کشورهای اولیه روبرو می‌کند و لذا خلبانان حاضر نیستند در این عمل غیر انسانی شریک گردند. با بالا رفتن موج مخالفت خلبانان، اتحادیه کارکنان حمل و نقل هوائی و ÖTV با ارائه لایحه‌ای به محاکم قضائی درخواست کرده‌اند که دادگاه با بررسی مسئله نظر دهد که آیا خلبانان می‌توانند ز پروازها بیامان بمانند. بوسیله آن متقاضیان پناهنده‌گی را برگشت می‌دهند، خودداری نمایند؟ بنا بر این اراحت‌ها این اتحادیه نظر دادگاه تا نیمه سپتامبر ۸۷ اعلام خواهد شد و خلبانان لوفت‌ها نزا نسبت به آن اقدام خواهند نمود.

آلمان فدرال - مونستر :

آکسیون اعتراضی پناهنده‌گان

روز شنبه ۲۵ ژوئیه از طرف شورای پناهنده‌گان "کونفلد" و به پشتیبانی کمیته پناهنده‌گان ایرانی در شهر مونستر آکسیون تبلیغی برگزار گردید. در این آکسیون که در ا دیومجلسی انگلیسی یافت، پناهنده‌گان طی مباحثه‌ها و سخنرانی‌ها با نماینده امنیتی خواستهایشان را مبنی بر :

- ۱- کوتاه شدن مدت تشکیل دادگاه
- ۲- انسانی کردن محیط زندگی پناهنده‌گان،
- ۳- رفع محدودیت از ورود پناهنده‌گان ایرانی از ترکیه و پاکستان به آلمان فدرال،

در میان گذاشتند.

آلمان فدرال :

راهپیمائی برای حمایت از زندانیان سیاسی

کمیته همبستگی با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران در نورنبرگ پس از خاتمه موفقیت آمیز اعتصاب غذای حمایتی، برای روز جمعه ۸/۷/۸۷ دعوت به راهپیمائی نمود. جمعیت شرکت کننده در این راهپیمائی که در حدود ۱۵۰ نفر بودند، شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی" را تکرار می‌کردند. در این تظاهرات در بایرول گروه تعقیب شدگان در وره تا رژیم آلمان تشکیلات ضد فاشیستی - نورنبرگ، نماینده شورای شهر وکاندید شهردار ای حزب سبزها، یک نماینده از مجلس ایالت بایرن و نماینده حزب کمونیست آلمان - نورنبرگ سخنرانی کرده و حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام کردند. تظاهرات با صد و هفتاد نفر با موفقیت پایان گرفت.

بقیه در صفحه ۱۵

گزارش اعتصاب غذا در فرانکفورت

و زنجیره‌ای از اعتصاب غذا در شهرهای مختلف آلمان فدرال برای حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران

"هموطنان آگاه و مبارز!
محافل بشری و وست و آزاد بخواه!
نیروهای سیاسی مترقی!"

زندانیان قهرمان زندانهای اوین و گوهردشت برای جلوگیری از اعلام دست‌جمعی یاران خود، برای اعتراض به شرایط فوق‌العاده غیربهداشتی و غیرانسانی زندان و برای مقابله با رفتار دشمنانه و جنایتکارانه زندانیان رژیم، از تاریخ ۵ ژوئیه ۸۷ در زندان گوهردشت و از تاریخ ۱۱ ژوئیه ۸۷ در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زدند و اعتصاب بی‌پایان (خشک) اقدام کرده‌اند.

اعضای هیئت مدیره و هیئت مدیران سازمان در فرانکفورت با انتشار خبریالاً در اطلاعیه خود تحت عنوان "برای نجات جان زندانیان سیاسی بی‌خیزیم!" در مورد جان اسیران در بند چه بلحاظ اعتصاب غذا آنچه بلحاظ اعدای آنهاست دست‌جمعی اعلام خطر نمودند و آنها را تهدید کردند با وجود انهای بیدار به بشریت می‌اندیشند به همبستگی با زندانیان سیاسی اعتصابی در زندانهای اوین و گوهردشت فراخوانده شد تا از هر طریق ممکن با بلند کردن صدای خود علیه نابودی دست‌جمعی زندانیان سیاسی، مجامع بین‌المللی و بشری وست را به اعتراض علیه این کشتارها وادارند. آنها همچنین اعلام کردند از زهمان روز ۱۷/۷/۸۷ - انتشار اطلاعیه رد فتر حزب سبزها در "نورد اند" فرانکفورت دست به اعتصاب غذا ای نامحدود می‌زنند.

رفقای ما باید بن ترتیب با هدف رساندن خبر اعتصاب غذا ای روزمندگان در زنجیر بگوش جهانیان، افشای هر چه بیشتر جنایات رژیم در خیم فقهسا و فشار به مجامع بین‌المللی برای جلب توجه آنها به

حمایت خود را از زندانیان دلیران ایران ابراز داشته و نفرت خود را از اعمال جنایتکارانه رژیم اسلامی آشکارا ساختند. حزب سبزها در ایالت

داشته و خواستار اقدامات فوری وجدی از جانب این مقامات مسئول در مورد وضع زندانیان اعتصابی در ایران گردیدند.



رفقای اعتصابی در فرانکفورت گرچه روز جمعه پنجمین روز اعتصاب به هد فهای خود رسیدند، برای همراهی و همگامی با زنجیره اعتصاب غذا در شهرهای مختلف اروپا برای همبستگی با بیکارهای نظیر زندانیان سیاسی در ایران، تصمیم گرفتند چند روز دیگر نیز به اعتصاب غذا ادامه دهند، تا روزیانی اعتصاب تعداد ای از ایرانیان مبارز ترقیخواه برای چند روز به اعتصاب رفقای ما پیوستند.

هسن، فراکسیون پارلمانی حزب سبزها در فرانکفورت حزب سوسیال دمکرات فرانکفورت، فراکسیون پارلمانی حزب سوسیال دمکرات، حزب کمونیست آلمان (فرانکفورت)، حزب کمونیست ترکیه - اتحاد، سازمان میرشلی، دوتن از دبیران ایالتی حزب سبزها در فرانکفورت، سازمان جوانان سوسیال دمکرات، لیست چپ دانشگاه فرانکفورت، اتحادیه صلح آلمان (DFU)، انجمن دانشجو - آلمان (E.S.G)، انجمن صلح مسیحی (GFD)، انجمن حمایت از خانواده‌های خارجی (BAF)، کمیته همبستگی با زندانیان ترک و کرد در زندانهای ترکیه (فرانکفورت)، جمعی از ایرانیان مقیم خوابگاه پناهندگی در باد فیلیسل فرانکفورت، حزب سوسیال دمکرات - هایدلبرگ، (DGB) کنگد راسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان -

باد ریافت خبرپایان موفقیت آمیز اعتصاب غذا ای عزیزان قهرمان زندانهای اوین و گوهردشت رفقا تصمیم گرفتند در پنجمین روز اعتصاب غذا، در یک کنفرانس مطبوعاتی با اعلام خبرهای جدید مربوط به پیروزی اعتصاب غذا در ایران و تلاشهای باشکوه خانواده‌های زندانیان به اعتصاب غذا ای خود خاتمه دهند. روز سهشنبه در محل اعتصاب غذا ۱۳ نماینده از جمله DPA (خبرگزاری آلمان)، EPD (خبرگزاری مسیحی)، Journalisten im Büro



(د فتر ژورنالیستها)، BDP (سرویس خبری آلمان)، TAZ (تاگس ساتونگ)، مسئول حزب سبزها در Nordend به نمایندگی از طرف حزب سبزها، نماینده‌ای از طرف فراکسیون سبزها در رومرو نمایندگان سازمان میرشلی در رایسن کنفرانس شرکت کرده و نمایندگان حزب سبزها و سازمان جوانان SPD سخنرانی نمودند. نماینده حزب سبزها با اشاره به مبارزه ایرانیان علیه رژیم خمینی در خارج، یاد آور گردید که "ما باید از آنها یاد بگیریم، چرا که ما آلمانیهانگامیکه فاشیسم بر کشورمان سلطت بود، نتوانستیم از خارج بخوبی علیه آن مبارزه کنیم."

هاید لبرگ، حزب سبزها و نورد اند، کانسون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران هایدلبرگ، همه واحد های سازمان کارگران انقلابی ایسران (راه کارگر) در شهرهای آلمان و اروپا و تعداد زیادی از روسای کلیساهای فرانکفورت و حومه، تعداد زیادی از وکلای و پزشکان مترقی و صد هاتن از آلمانیهای انساندوست با امضای نامه‌های اعتراضی به دبیرکل سازمان ملل متحد در نیویورک، کمیساری عالی سازمان ملل متحد در ژنو و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (انستیتی) در رلندن انزجار خود را از اعمال وحشیانه رژیم خمینی ابراز

قبل از کنفرانس مطبوعاتی که در ساعت ۲ بعد از ظهر برگزار گردید، در یک مراسم پر شور و هیاهو همبستگی در حضور اعتصاب کنندگان و تعداد زیادی از حمایتگران همراه با سرودها و ترانه‌های انقلابی خوانده شد. در طول روز اعتصاب غذا اهتزازان اعلامیه افشاگرانه‌های فارسی و آلمانی در نقاط مختلف شهر هر روز پخش گردید و چهره‌گره رژیم فقها را بیش از پیش در ناظران جهانیان رسوا نمود.

کشتار گاههای رژیم، اعتصاب غذا ای خود را آغاز نمودند. همان روز اول اعتصاب تلویزیون کانال ۳ در بخش اخبار شبانه خود خبر اعتصاب و دلایل آنرا همراه با فیلمی که از محل اعتصاب، تهیه شده بود پخش نمود. در روزهای بعد شبکه‌های تلویزیونی، یون، روزنامه‌های فرانکفورت و شائو، فرانکفورت آلگماینه ساتونگ، تاگس ساتونگ با زهم اخبار مربوط به اعتصاب را منعکس کردند. در طی چند روز اول اعتصاب اغلب محافل، سازمانها، احزاب مترقی و بشری وست فرانکفورت و استان هسن با حضور در محل اعتصاب و با ارسال پیامهای همبستگی

درس لگرد بمباران هیروشیما

برای صلح و خلع سلاح بکوشیم

احتمالی تضمین کند. "ریگان"ها با طرح جنسک ستارگان می‌خواهند میلیاریها را طعمه برتری طلبی خود ساخته، چون جندبر جنازه سوخته میلیاردها انسان نغمه پیروزی سرما به داری را سردهند و حیات ننگین و روبه زوال امپریالیزم را برافراز ویرانه‌های جنگ چندصبا حی بیشتر حفظ کنند.

با توسعه و افزایش سلاحهای ویرانگر، کعبه قیمت تشدید استشمارو تحمیل گرسنگی و فقر بر میلیون هاشان تلین می‌کند. مبارزه در راه صلح و جلوگیری از وقوع جنگ هسته‌ای هر روز مضمون غنی تری می‌یابد. تسایا شبکه علاوه بر نیروهای مترقی و صلح دوست جهان، جناحهای پاسیفیست بورژوازی هم از طرح صلح اتحاد شوروی برای برچیدن پایگاههای میوشکی در اروپا و خلع سلاح کامل تا پایان سده بیست و سوم استقبال می‌کنند.

تکای می‌گذرانند تا بزرگان جنگ را رتج عیایران و عراق کما سلاحهای کلاسیک دهها شهر و هزاران روستا را به نابودی کشیدند. اهمیت خلع سلاح هسته‌ای را برای ما دوچندان می‌نماید و پیوند با نیروها و سازمانهای صلح طلب و شرکت در مبارزات جاری برای برچیدن پایگاههای اتمی را به امری ضروری و مبرم تبدیل می‌نماید. نیروها و سازمانهای انقلابی و مترقی با یدبا شرکت در فعالیتهای صلح طلبانه پیوند خود را با نیروهای صلح طلب اروپا و جهان مستحکم نمایند.

موقعیت برتر خویش بلحاظ انحصار سلاح اتمی، فرمت طلبانه به این هولناکترین جنایت تاریخ بشری دست یازیدند. بدینوسیله سهم اتمی را از دستاوردهای جنگ تصاحب کرده و پیش از یونان اتحاد شوروی به خاور دور، ژاپن و مستعمرات جنگی آن را تحت نفوذ خود درآورد.

طی چهار دهه پس از بمباران "هیروشیما"، سلاحهای اتمی نه فقط از انحصار ایالات متحده که از انحصار پنج قدرت بزرگ اتمی هم خارج شده و در پنج قاره زمین گسترش یافته بلکه قدرت تخریبی و انفجاری سلاحهای مرکب را اتمی هزار برابر کرده، بطوریکه اگر هر کیلوگرم بمب اتمی در فاجعه بمب هیروشیما معادل هزار کیلوگرم "تی-ان-تی" بود قدرت تخریبی هر کیلوگرم بمبهای نیوترونی موجود معادل یک میلیون کیلوگرم "تی-ان-تی" است.

در شرایطی که تولید و گسترش سلاحهای میگران انهدام جمعی تمامی کره زمین و تمامی بشریت را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد، خلع سلاح همگانی منع آزمایشهای هسته‌ای و نیوترونی، جلوگیری از گسترش آنها، و بلافاصله جمع آوری و انهدام تمام سلاحهای هسته‌ای از روی زمین به هدف مقدم کشور-های سوسیالیستی و نیروهای صلح طلب جهان تبدیل می‌شود. امپریالیزم آمریکا و پیروان جناح‌ها و رو فوق ارتجاعی آن در صدد است با تحقق بخشیدن به طرح ضد بشری جنگ ستارگان و صرف دوهزار میلیارد دلار هزینه، برتری امپریالیزم را در یک جنسک

روز ششم اوت (۱۵ مرداد) در سال یادآور خاطره تلخ و دردناک بمباران "هیروشیما" سوختن و تیربانی شدن صدها هزار رتن در شعله‌های بمب اتمی است. در روزهای پایانی جنگ دوم جهانی و در بالیکه فاشیسم در زاده گاش (آلمان و ایتالیا) تلخ و قمع شده، و شواقی همگانی دولتتهای متفق برای درهم شکستن ماشین جنگی ژاپن-حامل آتمه بود دولت آمریکا به قصد کسب سهم بیشتر در جنگ و آزمایش سلاحهای اتمی، در روز ششم اوت ۱۹۴۵ شهر "هیروشیما" و سه روز بعد "ناگازاکی" را هدف بمب‌های اتمی قرار داد. در این بمباران-ها، صدها هزار انسان به هلاکت رسیدند و صدها هزار نفر دیگر تحت تاثیر ششمتها اتمی به بیماریهای غیرقابل علاج مبتلا، و قربانی این جنایت گردیدند. علاوه بر قربانیان اولیه اشعه ناشی از انفجار تا شش ماه بعد تا ششای فرا تراز شهر گسترش یافت و کودکان بسیاری در رحم مادرهاینا متولد شدند و علیرغم آنجا آمدند. دامنه تشعشعات گریبا نگیر جانوران و گیاهان هم شد و محیط زیست برای بازماندگان فاجعه و نیروهای امداد، که از دیگر شهرهای آتمند آلوده گردید، بطوریکه پس از چهل سال بازماندگان این فاجعه کما بمب اندهای سوخته، قیافه‌های تغییر یافته و اندامهای فلج مشخص می‌شوند جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند و آثار آن بر روی کودکانی که پس از زدنسل به دنیا می‌آیند هنوز مشهود است. امپریالیسم آمریکا با قوف بر موقتی بودن

سفر ولایتی به آلمان فدرال

این است که پیگیرانه راههای نزدیکی غرب بسا جمهوری اسلامی را آزمود و لحظه‌ای از تلاش برای افزودن به صمیمیت رابطه فرو گذار نمی‌کند. در همین راستاست که اظهارات اخیر گنشر وزیر خارجه آلمان درباره مقصد بودن عراق در مورد شروع جنگ معنا پیدا می‌کند. اما اگرچه با تهدید عراق به قطع روابط اقتصادی با آلمان فدرال، وزارت خارجه این کشور مجبور به ارائه توضیح رسمی و تأکید بر بیطرفی خود در جنگ ایران و عراق شد و شخص گنشر ردیداربا وزیر خارجه عراق "سو برداشت" از بیانات خود را توضیح داد. اما آقای ولایتی و سایر دست‌اندرکاران دیپلماسی ققاهتی در یافتند که آلمان فدرال تا چه حد حاضر به همراهی است! دیپلماسی ققاهتی البته طول و عرض دیپلما-سی غرب و آلمان فدرال را بخوبی و چوب کرده و می‌داند که چگونه متناسب با پیشبرد اهداف خود اینجا و آنجا مانور بدهد. در حالی که روابط اقتصادی و تسلیحاتی و از جمله خرید اسلحه از آلمان فدرال "بی اطلاع" غربی یا از لالی که گویا ایسن در ول را "فریب" می‌دهند ادامه دارد و در حالی که روابط اقتصادی بی‌قوت خود باقی است، رژیم اسلامی برای نشان دادن "انسان دوستی" خود، گاه و بیگاه با آزاد کردن چند گروگان غربی، دست نوازشی بر سردول باج گذار غرب می‌کشد تا کمسی بعد تریاک اشاره ابرو افراد دیگری به گروگان گرفته شوند و در همان حال شبکه اختاپوسی ترور خود را آزادانه و زکاتال نمایند گیهای سیاسی خود (والیته بدن "اطلاع" در ول غربی) در سر-اسرجهان گسترش می‌دهد. سفر آقای ولایتی به آلمان فدرال نیز نتهداد این رابطه معنای یابد: مانور برای گرفتن امتیاز - که شاید در یافت اسلحه باشد - به بهای گذشتی بی اهمیت، یعنی رها کردن گروگانهای آلمانی.

اما رابطه جمهوری اسلامی و تروریسم ویزبان دیگر تبدیل تروریسم و شانتاژ به بازی ککی دیپلماسی فقیهانه نه امری مخفی و نه چیزی نو است. آنچه تازه می‌نماید همانا "متوجه" شدن گاه و بیگاه پاره‌ای از دل غربی نسبت به این مسئله است. مثلاً در ماجرا-های مربوط به تیره شدن روابط فرانسه و ایران اخیرا هاشمی رفسنجانی فاش کرد که ژاک شیراک نخست وزیر فعلی فرانسه، قبل از انتخاباتی که به قدرت رسیدن وی منجر شد برای فقها پیغام داد بود که دست نگه داشته و گروگانهای فرانسوی را آزاد نکنند تا وی بقدرت رسید و مسئله روابط تیره طرفین رایکسر حل کند. اکنون همین آقای شیراک که مد هوش روابط دوستانه با فقهاشده بود، متوجه دست داشتن دیپلماتهای ایرانی در اقدامات تروریستی در خاک فرانسه میشود و با اصطلاح قاطعیت نشان می‌دهد.

اما در این میان ویژگیهای رابطه دولت آلمان با ایران به این رابطه و به سفر ولایتی به این کشور اهمیت خاصی میدهد. رابطه آلمان با ایران آنچنان تحت الشعاع مستقیم منافع روابط تجاری است (آلمان بزرگترین طرف روابط تجاری با رژیم ققهاست) که در آن دوره‌های سردی و بی-مهری معنائی پیدا نمی‌کند. دیپلماسی تاجران آلمان فدرال در رابطه با جمهوری اسلامی هرگز از ترور-یسم اسلامی دل‌آزده نمی‌شود. علیرغم اینکه اخیرا گزارشات متعددی درباره فعالیتهای تروریستی جمهوری اسلامی در آلمان منتشر شده است - بلکه حاضر است خونسردانه به فروش پنهان و آشکار اسلحه به ققها ادامه دهد، برای بهبود رابطه فرانسه با ایران نزد فقها یاد می‌اندازد و برای آزاد کردن گروگانهای آلمانی در لبنان به "بشردوستی" فقیهانه رجوع کند. اما محترراز همه اینها نقش منحصر به فرد دیپلماسی فوق‌در

پس از جلسه اخیر شورای امنیت سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق و صد و قطعنامه‌ای که لی آن طرفین به با زنگشت به مرزهای بین‌المللی و شروع مذاکرات صلح دعوت شدند، سفرو ولایتی به آلمان فدرال، به این کشور فرصتی داد تا سیاست افتن راههای کناره‌آوردن غرب با رژیم اسلامی را علاننه تود نیال کند. این سفردر شرایطی صورت می‌گیرد که موضوع خرید اسلحه توسط ایران - لبق گزارش پاره‌ای از مطبوعات آلمانی - در دستور مذاکرات قرار داشته و در همان حال جنگ دیپلماتیک غلبه‌ای بهین جمهوری اسلامی و فرانسه جریسان آرد. آنچه که تصویر شرایط فوق را کامل تر می‌کند

بین نه جمهوری اسلامی به صراحت راه هرگونه مذاکره با عراق و پایان جنگ را بآرد قطعنامه شورای امنیت، مسدود کرده و در خلیج فارس بسمت شنج زدائی و بیجا کردن گرد و خاک "ضد امپریالیستی" جدیدی حرکت می‌کند. واقعیت این است که غرب اکنون جدی تر از ماه-های اخیر خواهان خاتمه جنگ ایران و عراق و "هانق" ز نمودن روابط خود با جمهوری اسلامی می‌باشد و اکنون گامهایی نیز در این جهت برداشته است. اما آنچه که بر سر راه سیاست کشورهای غربی مانع ایجاد می‌کند کله شقی جمهوری اسلامی است که هنوز حتی پس از زود شدن روابطش با شیطان بزرگه می‌خواهد از یضدا امپریالیستی را ادامه دهد و در این راه گاه هگاه در ول غربی را مجبور می‌کند که در مقابل سیاست تروریسم و شانتاژ وی مقابله کنند. این در حالی که عملا به بقا و حیات وی یاری فعال می‌رسانند و ل مشغول "دیپلماسی آرام" که نام مستعار بند و ست با رژیمهای تبهکار از نوع جمهوری اسلامی است می‌باشند، در همان حال گاه به گاه مجبور به "قاطعیت" در مقابل تروریسم پروری جمهوری اسلامی می‌شوند.

افشاکری علیه تروریسم جمهوری اسلامی

از گرفتاریهای "شاه جوان"

در چند ماه گذشته، اقدامات تروریستی شبکه‌های تروریست به جمهوری اسلامی افزایش چشمگیری یافته است. ترور نافرجام امیر حسین امیرپرور مسئول نهضت مقاومت ملی "بختیار در انگلستان"، شهادت حمیدجنگر مسئول حزب کار ایران در خارج، توسط تروریستهای وابسته به جمهوری اسلامی، تروریست طلسان در سوئیس، حملات تروریستی به خانه‌های بناهندکان در شهرهای کویته و کراچی در پاکستان و اخیراً ترور سیدفران مجاهدین خلق در ترکیه، بیانگر ابعاد وسیع فعالیت شبکه‌های تروریست جمهوری اسلامی در اقصای جهان می‌باشد.

اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر با جرات و جسارتی بی‌سابقه و بی‌انگیزه در پی بستن سیاستهای ناسمج و تسخیر فضا است که اکنون به اوج خود رسیده است. بهیچ وجه نمی‌تواند در این میان آنچه که در کشورهای مختلف ادامه یافته است، تروریستی جمهوری اسلامی را ممکن کرده است، زدو بند آنگار و نیان دول این کشورها را حینوری - اسلامی است. ترور آژاد به با ایران در پاکستان و ترکیه و فعالیت‌های آنها در این کشورها، این واقعیت که سیاست حسنه‌ای بین ایران و این دو کشور وجود ندارد و گروه‌های تروریست در این کشورها حینوری اسلامی آژاد را در پی اقدام بر علیه آژادگان ایرانی دست می‌زنند، جمله علنی و سازماندهی شده حزب اللهی، هابه مفرکمیاری بناهندکان سازمان ملل در کراچی، حملات مسلحانه پاسداران به خانه‌های بناهندکان در کویته و کراچی، تحویل بناهندکان از سوی دولت ترکیه به ایران، برخورد سبیل‌نگارانه پلیس وین در اجرای شهادت حمیدجنگر، تبدیل سوئیس به مرکزها یکی اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا، روابط حسنه جمهوری اسلامی و آلمان و دهها نمونه دیگر، همگی شاهد این ادعا هستند. طبق اطلاعاتی که هفته‌ها مدآلمانی امترن (شماره ۳۳، ۶ اوت ۱۹۸۷) از قول یک همکار سابق شبکه‌های تروریستی اسلامی منتشر کرده است، در یک ویلا در شهر کلن آلمان فدرال، جایی که ظاهراً محل نگهداری محرومین جنگ است، اعضای تعلیم دیده شبکه‌های تروریست، یول و دستورات لازم برای اقدامات تروریستی را دریافت می‌دارند، وی خود به ذکر نمونه مربوط به سبیل‌نگار می‌گوید: "در اوج بهیچ‌بودن ری‌های سال گذشته دربار حسین اویسی، رفت و آمد سید سعدهندی (مسئول شبکه تروریست فرانسه)، و حیدر کرجی (که سازماندهی آفریسن اقدامات تروریستی در فرانسه است) و... می‌پردازد و... که می‌کند که "سین می‌تولین خاندها سیرا در کلن و مسئولین اداره فدرال جانی و سایر اروپایی‌های آلمانی، یک ماده مرتبط با اطلاعات

ادامه از صفحه ۶

حزب "کمونیست" کومه‌له ...

خارج از کشور "حزب" از همه می‌خواهد تاد صورتیکه "راهکارگر بطور صریح و علنی حرکت زنند و بنا بر سیاست سازمان نشان در فرانکفورت را محکوم کرده و اورا تحریم نمایند". "از اینجاریش میشود "حزب" در نبال بهانه برای بایکوت راهکارگر بود هاست. ولی حادثه فرانکفورت هم کدی به آنهانی کند. زیرا این اتهام کمیته خارج از کشور که "این واقعه را یک نقشه باند سپاهی طیف توده‌های به سردمداری راهکارگر" معرفی می‌کند حتی مورد پذیرش گروه‌های دیگری که در این حادثه موضع "حزب" را داشتند قرار نداد. این یک جهت زنی بی - شرمانه است. در همین اعلامیه، کمیته خارج "حزب" کومه‌له برای اثبات با - صلاح حقایق موضع خود در این واقعه از اعلامیه کمیته مجبولی بنام "کمیته هدایتگری نیروهای مترقی ایرانی" نام برد هاست. به تریبود کمیته خارج به جای استفاده از این شیوه‌های باکیا ولیستی روشن می‌کرد در رشت این کمیته‌ها هکنی چه گروه‌های ایرانی ایستاد هاند و این "هدایتگری" میان چه کسانی است تا مسئولیت هر گروه ایرانی به پای خود نشویند و تحت این نام‌های مجبول با حیثیت دیگری بازی نشود. اما در مورد رخدادهای از این دست موضع ما همواره صریح و روشن بوده و ادانما اعلام کرد هادیم برخورد فیزیکی را محکوم می -

جریان دارد... برای مقابله با اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی، نیروهای انقلابی می‌بایست علاوه بر لابردن هشاری خود، مبارزه متحدانه‌ای را در جهت افشای شبکه‌های تروریست و نکوت یسها همکار ی دولت هسای مختلف با این شبکه‌ها سازمان داده و توجه و حساسیت افکار عمومی را نسبت به این مسئله جلب کنند. همکار ی با نیروهای دیگر و ترقیخواه کشورهای مختلف و بیچ همه امکانات برای افشاکری، طرح‌خواسته بسته شدن مراکز رنگ تروریسم جمهوری اسلامی و قطع مناسبات سیاسی با این رژیم، تنها راه موثر برای شکست دادن سیاست تروریست و رعب فقهی است.

فعالیت مزدوران رژیم اسلامی در ترکیه

در ماه‌های اخیر تا دسروا بسته به رژیم جمهوری اسلامی در ترکیه به فعالیت و تبلیغات گسترده‌ای دست زد هاند. چند سال است که میان مقامات ترکیه و سفارت ایران بر سر تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی و فعالیت علنی این انجمن گفتگوهای جریانی دارد. دولت ترکیه به همین وجه اجازه تشکیل این انجمن را نمی‌دهد. سرانجام مقامات سفارت و "خانه فرهنگ ایران" تصمیم به تشکیل انجمنی بنام "کلوپ ایرانیان" زامی - گیرند و مقامات ترکیه نیز با آن موافقت می‌نمایند. نتواند اران و عناصر وابسته رژیم در سپهمن ماه سال گذشته طی یک گرده‌هایی در "خانه فرهنگ ایران" اعضای اصلی کلوپ را از میان ۳ نفر سبیل - انتخاب می‌کنند. سفیر جمهوری اسلامی در جلسه ای خطاب به اعضای انجمن اظهار داشت که: "از این پس هر یک از شما شرما و لقیف د ارید که بدد دانشگاهها رفته و شناسیت دانشجویان ایرانی را بررسی کنید و ببینید که چه اشخاصی در سن می‌خوانند و چه اشخاصی خدای ناگردد در سن نمی‌خوانند؟". از جمله فعالیت‌های وابستگان رژیم، تشکیل کلاس‌های تفسیر قرآن، سخنرانی‌های بی‌سرای ایرانیان و نیز کلاس‌های سخنرانی‌های بی‌سرای ترکیه‌ای می‌باشد.

مجلسه هفتگی "سرای" چاپ آلمان غربی که اغلب ریزه‌های از خانواده شاه معدوم چاپ می‌کند، در شماره ۲۶ سال جاری نوشته است که نیم پهلوی و همسرش یاسمین که یکسال پیش با هم ازدواج کردند در آستانه جدایی هستند و فرج می‌کوشد از این جدایی جلوگیری کند. نیم پهلوی در لیل اختلاف را مدخله همسرش در سیاست می‌داند و می‌گوید او خیلی متجدد است و در کارهای من دخالت می‌کند. من از پدرم وید ریزرگم آموخته‌ام که به تنهایی تصمیم بگیرم و کسی را در تصمیم‌هایم دخالت ندهد! در حالیکه همسرش معتقد است که او هم باید دخالت می‌کند و می‌تواند در باره برخی مسائل سیاسی اظهار نظر کند. در کنار این سخن اختلاف جدی، عروس خانم فهد یگری نیز دارد و آن اینکه در غربت نمی‌تواند بچه‌دار شود. زیرا مطابق قانون اساسی؟! ولیعهد باید متولد ایران باشد.

بعد از پیام نوروزی نیم پهلوی که گفته بود من گام‌های اساسی را برداشته‌ام، همه مشاوران او استعفا کردند تا دست او را برای فعالیت‌های سیاسی از هر جهت باز نگذارد. اکنون همسر او نیز قصد دارد تا با استعفا از موهبت تسبی "شهبانوی" که حتی اجازه اظهار نظر در این زمینه سیاسی را به او نمی‌دهد، دست پادشاه! را در زمینه‌های دیگری نیز از هر جهت باز نگذارد! ما مراتب تأسف خود را از زخم زبانی شدن نشه‌های یاسمین خانم که بر اثر ساقی مکیدن مد او حاصل شده است اعلام میداریم و در همین حال به جناب نیم پهلوی نیز حق میدهم همچنانکه شایسته فرزندان خلف است به هیچ‌س حق دخالت در کارهای خودش را ندهد که این رسماً هانه‌ای است و هم‌اکنون برای بار سوم خودش را آماده تجدید فریاد میکند و همه‌سرا آیند ه نیز توضیحات لازم را بنمایند که "فته" به سن ۲ ده‌گروه خیالات در باره با یکدیگر با ایران را از تنگی کرد و با این بازیها بر سر، تعلیقاتی است که در زمینه‌های "سیا" دیده و نباید چند آن‌ها را در دست گرفته شوند!

کنیم و از حزب "کمونیست" کومه‌له و همفکرانش دعوت می‌کنیم برای جلوگیری از تشنج در محیط‌های فعالیت نیروهای سیاسی بجای اهانت و فحاشی به نیروهای دیگر شیوه بحث‌های منطقی را در پیش بگیرند. و ما در قیابا طریای - بندی به همین برنسیب و جلوگیری از برخورد های عصبی حتی از کرحادثه هفته پیش از دیگری ۱۲ ژوئیه که هوادار حزب "کمونیست" کومه‌له با مشت به چانه رفیق ما کوبید و مورد اعتراض دیگران قرار گرفت اجتناب کردیم. زیرا منافع ما بر عکس شما وابسته به این شلوغ بازی‌ها و تشقیرق بریا کردن هان نیست. زیرا برای راهکارگر یها که چنین قاطع و صریح اعلام میدارند کمونیست‌ها مجازند برای منافع طبقه‌کارگر باید ترین رفورمیست‌ها ائتلاف کنند در لیلی وجود نند ارد که به زور متوسل شوند. لذا حزب "کمونیست" کومه‌له و کمیته خارج از کشور و بهتر است به جای توسل به این شیوه‌ها که در واقع تلاشی است برای سرپوش نهادن بر بحران هویتی که با آن روبرویند با صراحت به مردم بگویند سیاست ائتلافی - شان چیست؟

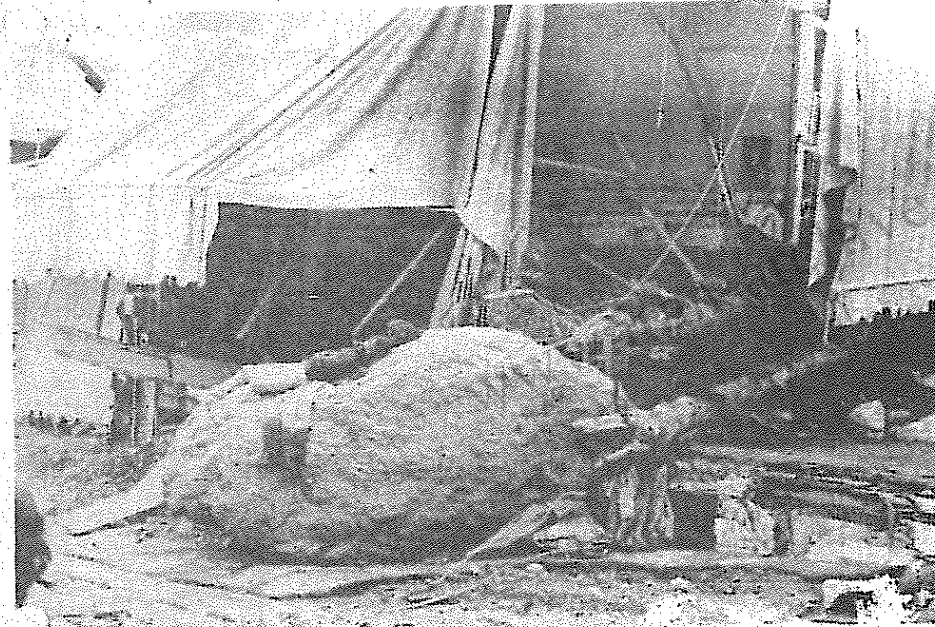
سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر) - کمیته خارج از کشور
اول آگوست ۱۹۸۷
۱۰ مرداد ۶۶

فاجعه سيل !

ادامه از صفحه ۱



خرابیها و ویرانیهای ناشی از سیل در زمستان گذشته که در هشت استان کشور صد هاستاد میلیون تومان خسارت بسیار آورد و هزاران نفر را به گام مرگ گشاده هنوز ترمیم نگردیده بود، که بعد از تغییر شرایط جوی در یک ماه اخیر در بیش از ده استان کشور با جاری شدن سیل تعدا ددیگری از هموطنان مسلمان بیخانمان شدند، هزاران روستا و وسیله مراعاتش خویش را که شامل مزرعهای کوچک یا چندراس دام بوده از دست دادند و متاسفانه تعدا زیادی هم با کلیه های محقرشان در آب فرورفتند و طعمه سیل شدند. به گفته مقامات رژیم در روستای سیوزان بیش از ۱۴۱ کشته، در ساوه ۱۰ کشته و ۴۵ زخمی (کلیه ها هوای ۱۴ مرداد)، تنگابین ۷ کشته، بهشهر ۵ کشته و شهنیرلو سمان ۳۲ کشته (کلیه ها ۱۸ مرداد)، رودهن، آستارا، جاده جالوس، دماوند و فیروزکوه، همدان، خلخال و گیوی تعدا زیادی نامعلوم تلفات برجای مانده است.



در تهران نیز سیل فاجیع بسیاری بسیار آورد. سیل ۴ مرداد بیش از هر چیز ما چهره کریم جمهوری اسلامی را سواثر ساخت. زیرا در هنگامه سیل و سیل و درست به هنگامی که امواج سهمگین آب، شتابان همه چیز را بگام خود می کشید و بسیاری از مردم بدون هیچگونه وسیله و ابزار ایمنی برای نجات دیگران حتی از جانشان مایه می گذاشتند! زمان مرغان امداد و سازمان همدستی عریض و طویل دولتی خبری نبود. مردم از ناچاری به تنهایی پناهی که در میدان تجریش به عنوان جانبناه و به منظور مقابله با بمبارانهای هوایی ایجاد شده پناه بردند! ما همین پناهگاه هم در برابر سیل خروشان ایمنی نداشت و تعدا زیادی را در خود مدفون ساخت.

حبیبی شهردار مزدور رژیم که سالیانه بیش از یکصد میلیون تومان از درآمدهای شهرداری را همراه با هزاران دستگاه ماشین آلات سنگین و کادر فنی در اختیار جیبه ها می گذارد با اظهارین مطلب که خوشبختانه سیل در شمال شهر بوده و در جنوب شهر رخ نداده، مسزورانه کوشیدند تا نقش خاکنانه و جنايتكارانه اش در فاجعه سیل را توجیه کنند! ما با اعتراض و تنفر شدید مردم مواجه گردید. رژیم قربانیان سیل تهران را ۱۴۴ نفر اعلام کرده (کلیه ها ۴ و ۵ مرداد) در حالیکه بنا به اظهار گروههای امداد مندرج در همان شماره تعداد تلفات چندین برابر رقم اعلام شده است و از یک هزار نفر تجاوز می کند!



اگر در گذشته حوادثی از این قبیل را بسه حساب بیلاهای آسمانی می گذاشتند و بجا یچاره اندیشی نمازیات یا وحشت می خواندند، امروزه همه این حوادث قابل پیش بینی و پیشگیری اند. در عصری که میتوان با بره های سترون را باران را کرد و یا ابرهای تگرگ را متلاشی ساخت، پیش بینی وقوع بارندگی و شناسایی مسیل ها و ایجاد سیل بند و لایروبی مسیل ها و در مجموع ایمن ساختن شهرها و روستاها مسائلی شدند و حتی پیش پا افتاده اند! اما رژیم قرون وسطایی فتنه که هم خویش را دمیدن در تنور جنگ به قصد صدور ایده های ارتجاعی بان- اسلامیستی قرار داده، نه فقط بنگراییمن ساختن روستاها و شهرها و ایجاد سیل بند برای آنها نیست، بلکه با اختصاص امکانات و وسایل موجود به جیبه های جنگ عملاتی تهران و دیگر شهرهای بزرگ را که به طور نسبی دارای امکانات بیشتری هستند بیاد فاسد گذاشته است.

سرمداران رژیم که برای تلفات مکه این همه سرومدا راه انداخته اند و در هر نماز جمعه تهران و شهرستانها گروهی را با تشریفات و به کسرات تشییع و جنازه ها را بر سر دست می گردانند در خصوص فایده های ناشی از سیل تهران سکوت کرده اند، گوئی اتفاقی نیفتاده!

زندگی و مبارزات پناهندگان

ادامه از صفحه ۹

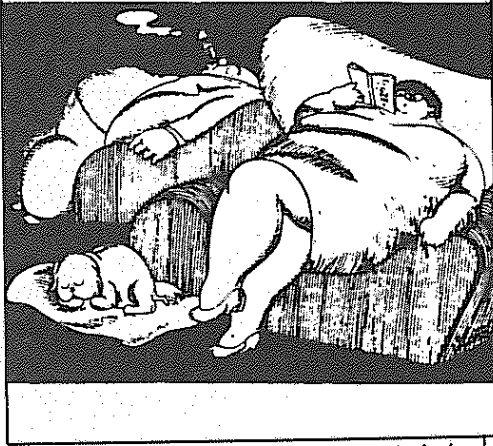
نامه‌ای از زندان تایلند

تاکنون گزارش‌ها و خبرهای تکان دهنده‌ای از وضعیت فلاکت‌بار و نگران‌کننده بسیاری از هم‌میهنان آواره ما بویژه در پاکستان و ترکیه خوانده و پاشنیدهایم.

نامه‌ای که شما خلاصه آنرا در زیر میخوانید گوشه‌ای از زمین وضعیت در آوارا و رکسورتا یلند تصویر میکند. این نامه توسط دوستی که هم‌اکنون همراه ۲۲ پناهنده ایرانی دیگر در زندان بانکوک بسر میبرد برای ما ارسال شده است.

... پس از اینکه در پاکستان بخش اعظم پولم را از دست دادم با تلاش فراوان به دنبال دلالی دیگری گشتم. ... و بهر ترتیبی بود خود را به تایلند رساندم. پس از مدتی برای رفتن به اروپا همراه با عدد دیگری می‌بایست به سنگا پور می‌رفتم. در آنجا نزد یک بود گرفتار شوم که با دادن رشوه توسط دلال حل شد. مجدداً به تایلند برگشتم و دلال وعده داد که تایلند ما را راهی اروپا کند، اما بانیرنگ ما را گذاشت و فرار کرد و ناچار شدیم طبق برنامه به UN مراجعه کرده تقاضای پناهندگی نمائیم. پس از ۳ روز اعتصاب غذا در ساختمان UN ما را با ماشینهای این سازمان و سیاه‌پوئی به زندان ای میگریشن (زند ان مربوط به مهاجرین) آوردند. سرانجام در ۲۳ فوریه ۸۷ پناهنده شدیم. ... پس از یک هفته ما را به جرم ورود غیرقانونی به تایلند به ۵ ماه زندان و سیاه‌پوئی محاکمه معادل ۱۲۰ دلار محکوم کردند. UN وعده داد که با کار ما سریعتر رسیدگی نماید. بی تاکنون به جز آزاد کردن و نفرا زجمع ۳۴ نفری اکاره دیگری انجام ندادند. پس از گذشت سه ماه مصاحبه‌ای با هیئت سوئدی داشتیم. بطور کلی مسئله ما به UN مربوط میشود و باید ولت تایلند مسئله‌ای اندریم، چون اینجا هر کاری بارشوه حل می‌شود.

... اما وضعیت زندان بی‌نهایت وحشتناک است. در اینجا انواع بیماریها (تیفوئید، تیفوس، با ویما ریه‌های پوستی) وجود دارد. هنگامی که نیست سوئدی، پس از تلاش بسیار، از سلولها بیرون گردیدند از وجود چنین محلی برای مهاجرین با رنجی حیرت‌زده شدند و حتی بینی‌هایشان را زشت بوی تعفن گرفته بودند. نماینده سازمان چاهدین (۱ - دهخدا) نیز به اینجا آمد ولیستی رای ژنو و صلیب سرخ تهیه و به اروپا رفت اما تاکنون خبری نشده است. ... بهر حال از وضعیت وحشتناک زندان شرایط زیستی پناهندگان در اینجا هر چه بگویم کم گفته‌ام. ...



ادامه از صفحه ۱۳

گزارش اعتصاب غذا در ...

آلمان فدرال : رافنسبورگ

پناهندگان ایرانی مقیم رافنسبورگ - آلمان غربی اطلاعاتی را با امضای " ایرانیان فراری دمکرات مقیم رافنسبورگ " به آدرس " پیام کارگر " ارسال نمودند. آن‌ها که حکایت از شروع اعتصاب غذا در آن شهر از تاریخ ۳ / ۸ / ۸۷ می‌کنند. آنها در اطلاعیه‌ی خود ضمن افشای جنایات رژیم اسلامی، به دفعات متعدد از اعتصاب غذا های اسیران قهرمان زندانهای اوین و گوهردشت اشاره نمودند و در این رابطه برای حمایت از اعتصاب غذا ای این عزیزان از تاریخ ۳ / ۸ / ۸۷ در محل کتابخانه شهر برای خواستهای زیر اعلام اعتصاب غذا نمودند:

- ۱- مذاکره بانمایندگان سازمان ملل متحد، سازمان عقوبت‌الملل و صلیب سرخ جهانی جهت اعزام هیأتی برای بازرسی از وضعیت زندانهای ایران.
- ۲- محکوم نمودن جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران (شکجه واعد ام) توسط مراجع حقوق بین‌المللی و درخواست آزادی زندانیان سیاسی ایران.
- ۳- محکوم نمودن جنایات رژیم جمهوری اسلامی توسط پارلمان اروپا و پارلمان آلمان غربی.
- ۴- انتشار بیانیه محکومیت رژیم جمهوری اسلامی ایران در روابطه بانهدی بوقتن هیأت‌های بین‌المللی برای باز دید از زندانهای ایران (شکجه واعد ام) از سوی صلیب سرخ.
- ۵- درج خبر اعتصاب غذا ای زندانیان سیاسی ایران و خواستهای آنان از رژیم جمهوری اسلامی ایران در مطبوعات و رادیو تلویزیون.

آلمان فدرال - توبینگن : پناهندگان ایرانی توسط کارمند یک فروشگاه به قتل رسید.

به گزارش روزنامه فرانکفورتر روند شاول و تاریخ ۲۳ آگوست، جوان ۲۰ ساله‌ای که بر اثر فشارهای بیش‌مازندگی در " لاگر " به‌زدی مواد غذایی دست‌زد بود، بوسیله فروشندگان این فروشگاه به طرز وحشی به قتل رسید. بنا به اظهارات مخبر این روزنامه مسیبین این جنایت آزاد شده و عملاً آنها به عنوان قتل غیر عمد شناخته شده است. برای اطلاع دقیق‌تر از جزئیات ماجرا، ترجمه متن فرانکفورتر روند شاول را در زیر میخوانید:

" خفگی در پیسی د زدی از فروشگاه متقاضی پناهندگی ای در اشتوتگارت بوسیله حمله یکی از کارکنان این فروشگاه به قتل رسید. از خبرنگار ما: پیتر هنکل توبینگن ۲۳ آگوست:

صدها نفر تظاهرکننده روزشنبه بوسیله راهپیمایی و میتینگی در مرکز شهر توبینگن، به کشته شدن جوان ایرانی ۲۰ ساله‌ای اعتراض نمودند. جوان مذکور که به همراه همسر خود در لاگر جمعی زندگی میکرد، روز چهارشنبه در حین اقدام به دزدی از یک فروشگاه مواد غذایی غافلگیر شد و بوسیله سه نفر از کارکنان این فروشگاه تعقیب و در حیاط فروشگاه به دام افتاد. یکی از کارکنان او را بانگداشتن زانوانش خوابید و نگه داشته و نفر بعدی نیز گردن او را گرفت. طبق اظهار شاهدان عینی حدود ۲۰ نفر از ماهربین به‌دور آنها حلقه زدند و شاهد آن بودند که چگونه جوان تیره پوست ایرانی در چنگال فرد آلمانی به قتل می‌رسد. زمانی که بعد از ۱ دقیقه پلیس و دکتوری که تصادفاً از آنجا عبور می‌نمودند، به محل حادثه رسیدند، دیگر قادر نبودند که کمی به‌وی نمایند.

کارمند مذکور در حین عمل فریاد کسانی را که در اطراف جمع شده بودند: " اولان پسر را میکشد " رانینها این جمله پاسخ داد: " من نمیگذارم که او از دستم خلاص شود. "

زمان کوتاهی پس از جنایت هرد و کارمند آزاد شدند. دادستانی که در لیل مرگ را خفگی بر اثر فشار خراجی تعیین نمود، اعلام نمود که این عمل یک قتل غیر عمد و یا ضربه منتهی به قتل شناخته میشود. تعیین این عمل به عنوان قتل عمد طبق نظر دادستانی در چشم‌انداز آکنونی قرار ندادند.

پیام کارگر همکاری کنید و برای آن بنویسید!

کمیونستی و تبلیغ دست‌آورد های آن، دفاع از جنبش صلح و پشتیبانی از جنبش جوانان و ... به گزارشات، مقالات، اسناد، نقدها، آثار هنری (شعر، عکس، طرح و ...) نیاز دارد. صفحات پیام کارگر رهبریک از این زمینه‌ها بر روی نوشته‌ها و آثارتان باز است.

اساسی خود یعنی افشای ماهیت و عملکرد های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، طرح مطالبات و مشکلات ایرانیان مهاجر و کمک به سازماندهی جنبش آنها، پشتیبانی از اتحاد عملهای انقلابی و دموکراتیک نیروهای ترقیخواه، تبلیغ و معرفی هنر پیشرو، دفاع از جنبش جهانی کارگری و

فقا و دوستان مبارز! "پیام کارگر" برای پیشبرد بهتر وظایف خود به همکاری و کمک شما نیازمند است. واضح است که محتوای نشریه‌ها و طبعاً شکل‌گرفته آن نیز به یک رابطه‌ی زنده و متقابل میان ما و شما نتیجه مطلوب بسیار خواهد آورد. "پیام کارگر" در چهارچوب وظایف

هشت سال از مقاومت انقلابی در کردستان می گذرد

نه فقط صدها تن از فرزندان خلق کرد را از دو طرف وبه سوادشمن اصلی بخاک و خون کشیده، بلکه سدهمی در برابر آنها درازنده توده ها بوجود آورده و در میان توده های خلق که پشتیبان و تکیه گاه اصلی سازمان های مسلح سیاسی هستند بدریاس و نومیدی می کارد!

جمع بندی و کارنامه هشت ساله مقاومت انقلابی توده های زحمتکش کرد این حقیقت را روشن می سازد که تنها در برتوا تها دویکیا رچگی توده ها و سازمانهای مسلح مردمی میتوان رژیم ارتجاع فاشستی را از تعرض با زداشت وبه آزادسازی مناطق اشغالی پرداخت. در آستانه نهمین سال تها جسم نظامی رژیم به کردستان انقلابی کوشش نیروهای انقلابی را که به همراه سازمان ما پیگیرانسته درمردم برقراری آتش بیس و استقرار صلح پایدار بین طرفین دعوا هستند ارج می نهمیم و امیدواریم این کوشش ها هرچه زودتر به ثمر بنشیند و با استقرار صلح و رعایت حقوق دمکراتیک همه سازمانها و نیروهای انقلابی ملی در کردستان، همه تفنگها به سمت رژیم فدیبری فقها که دشمن سوگند خورده آزادی، خودمختاری و حق تعیین سرنوشت است نشانه رود!



نظامی رژیم و عقب نشینی تاکتیکی آن را که در بیانیه عوامفریبانه آبانماه ۵۸ خمینی دایر بر استعرا رملح، دموکراسی و رفع محرومیت است از توده های کرد متجلی کردید تنها با پیدر وحدت و یکپارچگی مبارزه توده ها و سازمان های سیاسی جستجو نمود!

توده های زحمتکش که در جریان انقلاب طم آرادای را بین ازالها اسارت چنیده وبه نقضش هستکی انقلابی آکا هی یافته بودند در مواردی حتی جدا از سازمانهای سیاسی وبدون حمایت "بیشمرکه ها" را سادست به مقاومت زندگه نمونه درخان آن ایستادگی مردم شهرستان سقز بود. توده های زحمتکش در حالیکه "بیشمرکه ها" شهر را ترک کرده بودند راه ورود مزدوران رژیم به شهر را بستند و با سنگربندی خیابان ها و کوچه ها و ساختمان ها خانه ها را به دشمن چنیدند و بیش از سده شیان روز مانع از ورود دشمن اشغالگر شدند. شدت این ایستادگی جدی با زبود که "بیشمرکان مسلح پس از ۲۴ ساعت مجدداً به شهر بازگشتند و درموقت توده ها چنیدند.

درا وچ دوین یورش نظامی رژیم که بعد از یک تجدید قوا به بیانه درگیری های مرزی بسا عراق (درا ایل سال ۵۹ صورت گرفت)، خیانت رهبران توده ای اکثریت در پشت کردن به مبارزه انقلابی و دمکراتیک کارگران و زحمتکشان کرد و خروج بیشمرکان این سازمان از صحرای مبارزه، سرد شدیدی به جنبش دمکراسیک کردستان و پیوند آن با مبارزه دمکراتیک و انقلابی سراسر کشور وارد آورد.

جنگ ارتجاعی ایران و عراق که هنوز هم ادامه دارد به رژیم فرصت داد تا به بیانه جنگ با عراق سروی عظیمی را به کردستان کسب ایل داشته و با نام منطق استراتژیک نظامی را بسد تصرف در آورده و با استقرار حدود ۲۵۰۰ پایگاه و بیش از صد هزار مزدور، کردستان را به صورت یک سرزمین اشغالی در آورد. در چنین شرایطی درگیری نظامی سدا ل " حزب دمکرات " و " کومله " شکاف بررکی در صفوف رژیم شده و یکپارچه بیشمرکه ها ایجاد کرده است. جنگی خانگی و غیر منطقی، که

در بیست و هشت مرداد دینجا ه و هشت، خمینی با صدور فتوای جهاد علیه کردستان انقلابی، سرکوب خونین توده های زحمتکش و بیبا خاسته کرد را که با شفا ز خودمختاری برای کردستان - به خاری در چشم فقها و روحانیون مرتجع شیعه و سنی تبدیل شده بودند و ارددور جدیدی ساخت و مبارزه توده ای و نظامی خلق کرد در ا ز جدیدی پیدا کرد! خلق دلاور کرد طی سالهای متعادی دوش به دوش دیگر خلقهای سرزمین ما برای پایان دادن به سلطه بیگانگان، استعمار، امپریالیسم و دیکتاتوری های دست نشانده جانفشانی ها و مبارزات درخشانی داشته و خون سرخ بهترین فرزندان را پشتوانه این مبارزه قرار داده است و در انقلاب بیمن همپای کارگران و زحمتکشان سا بر خلق ها همبستگی رزمی و انقلابی خویش را با قیام مسلحانه و فتح پایگاهها، کلانتری ها و پادگانهای نظامی منطقه بنمایش گذاشت. با قیام بیمن مبارزه ملی و طبقاتی درهم آمیخت و دفاع از خودمختاری و حق تعیین سرنوشت در رونه شد. مبارزات کارگران و دهقانان کرد با سرنوشت پرولتاریای سراسر کشور پیوند عملی یافتند. در صفا بل نیروهای انقلابی سا بر خلق ها هم دفاع از حقوق دمکراتیک خلق کرد را در سرتوجه بر نامه ها و هدف های انقلابی خویش نهادند و در روند مبارزه این پیوند روز بروز مستحکم تر می شد. در چنین شرایطی بود که رژیم فقها و

لیبرالهای خائن حکومتی دست در دست روحانیون مرتجع کرد توطئه سرکوب کردستان را تدارک دیدند. یورش همه جانبه که با حمله به شهر هسا و اعدا مهای دسته جمعی فعالین سیاسی و سرکسوب شدی و خونین توده ها آغا زنده سد غیر قابل نفوذی از مقاومت درخان و وصف نا پذیر توده ها برخوردار کرد مردم شهرها و روستا های کردستان در برابر ارتش مهاجم و پاداران جنایتکار به سختی ایستادند و این یورش ددمشانه را عقب راندند. اگرچه عوامل چندی از جمله فضای انقلابی ناسی از قیام و ترندید ارتش (بخصوص لایه های پائینی آن) در سرکوب مردم و ضعف پاداران در شکست تهاجم موثر نبود اما نا کام ماندن اولین تهاجم

برای تماس با سازمان **از خارج کشور**،
 با شماره تلفن ۱۳۶۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
 در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل
 کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط
 رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی
 از داخل کشور با این شماره تلفن تماس
 گرفته نشود.

پس از یک دوره بر نامه آزمایشی

صدای کارگر

رادپوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه های خود را از اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶) رسماً آغاز کرده است.
 صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری
 ۴ مگاهرتز پخش می گردد.
 برنامه هر شب، ساعت ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.
 برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود.
 ساعت وطون موج صدای کارگر را به خاطر بسیارید؛ ساعات پخش وطول موج
 صدای کارگر را به هروسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتکشان برسانید و
 آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

آفرینقای جنوبی:
**۲۸۰ هزار کارگر معدن
 دست از کار کشیدند**

لیست کمکهای مالی

پ	۳۳۱	مارک
ف	۱۶۵	"
س	۲۶۲	"
م	۲۰۵	"
الف	۱۰۳	"
م	۱۷۲	"
خ	۹۳۹	"
ن	۵۲۸	"
هسته	۷۶۰	"
۱۱۱		ادی
الف	۱۷۷	"

ALIZADI
 B.P. 195
 75564 PARIS - CEDEX 12
 FRANCE

آدرسی پیام کارگر

POSTFACH
 650226
 1 - BERLIN 65

با پیام کارگر همکاری کنید
 و برای آن بنویسید!